

سلام الله علیها
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

مهدی فقیه ایمانی

قال النبی صلی الله علیه و آله :

من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

کسی که خروج - و قیام جهانی - مهدی را انکار نماید ، پس محققاً بدانچه - از طرف خدا - بر محمد نازل شده کفر ورزیده

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

من کذب بالمهدی فقد کفر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

کسی که مهدی را دروغ پندارد و تکذیب کند ، پس بدون شک گرایش به کفر جسته

بسمه تعالی

مهدی منتظر(علیه السلام) و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

با مروری بر مصادر حدیثی ، تاریخی ، عقیدتی ، و تفسیری شیعه و سنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی مشخصات خانوادگی و پدران و اجدادش را آنچنان دقیقاً اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان « مهدی منتظر » خنثی و منتفی نمود ، همانا شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود .

آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی ، بر اساس وحی الهی ، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز بایراد یک سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش ، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام « حضرت مهدی واقعی » باشند .

هم فریب مهدی های دروغین و ساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند ، وهم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند .

براین اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول روایتی ، تفسیری ، کلامی و تاریخی هریک از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی ، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و

خلافت بعد از خود، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع آخرین خلیفه «برحق بعد از خود و یگانه مصلح جهانی» یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکی و از آن پس دوران های غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش، تکیه نمود.

بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع بیشمار حدیثی و تاریخی و عقیدتی که بخشی از هریک مختص به ذکر احادیث «مهدی منتظر» است،

تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم های مختلف و سبک های گوناگون، هریک بیانگر ده ها و صدها روایت از رسول خدا (ص) در باره شئون حیاتی، خانوادگی، شکل و شمایل، و مقام امامتی «امام مهدی منتظر می باشد، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود [۱].

براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او.

در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری، (۵ سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجة بن الحسن) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و مقاله درحد کتاب و رساله به زبان های عربی، فارسی، اردو، ترکی استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم علما و دانشمندان شیعه و سنی تألیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده، و بالاخره نه هیچ گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابت برجای گذارده، و نه سرخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت (در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری ع) و نه زمینه ای برای خلط مبحث (مستشرقین غربی، یا شرقی های غرب زده) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات و یاوه گوئی.

اما متأسفانه می بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه یک مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی، که یک مسلمان برخوردار از عناوین پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول — با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی و تاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه های فراوان و پر محتوای ترکیه — از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه (بر مبنای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت ترین دشمنان اسلام) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه گی اسلامی و برخورداری از عالیتترین درجه اعتبار، در درجه هرچه ضعیف تر کمی و کیفی تلقی نموده و از این رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام گیری از یهود و نصاری و نمود می کند.

یا ناشی از فشارها و محدودیت های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را — یعنی امر مهدی منتظر را — در رابطه با آن رخدادها اختراع و مطرح کردند .

آری قرن‌ها قبل از به نمایش درآمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال:

— دونالد سن داویت ، مؤلف « عقیده الشیعه » ، بزبان انگلیسی ، (که ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید) و جهت آگاهی بر دروغ بافی های او چه بهتر مراجعه شود به الغدیر علامه امینی ج ۳ ص ۳۲۰ — ۳۲۳ ،

— ولهوسن ، مؤلف « الخوارج و الشیعه » ،

— فان فلوتن ، (۱۸۶۶ — ۱۹۰۳ م) مستشرق هلندی و مؤلف « السیادة العربیه و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه » ،

— گولدزیهر یهودی ، (۱۸۵۰ — ۱۹۲۱ م) مستشرق فرانسوی مؤلف « العقیده و الشریعه فی الاسلام » ،

— کارل بروکلمان ، (۱۸۶۸ — ۱۹۵۶ م) مستشرق آلمانی و مؤلف « تاریخ الشعوب الاسلامیه » ،

— لوئیس ماسینیون ، (۱۸۸۳ — ۱۹۶۲ م) مستشرق فرانسوی و مؤلف آثاری از قبیل کتب فوق ،

که با بیگانگی همه جانبه از اسلام هریک موضوع مصلح جهانی اسلام — یعنی مهدی منتظر عج و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرتش را همانند دیگر حقایق اسلامی (مورد تخطئه و تکذیب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتند

و نیز قبل از سر از آب درآوردن یک عده مسلمان نمای غرب زده و بی اعتنای به مبانی دینی و سنت پیامبر (ص) و بدور از عالم حدیث شناسی — امثال:

— شیخ محمد عبده مصری ، (۱۲۶۶ — ۱۳۲۳) مؤلف « شرح نهج البلاغه » !

— رشید رضا مصری (۱۲۹۵ — ۱۳۵۴) مؤلف « مجله المنار » و « السنة و الشیعه » .

— فرید وجدی مصری ، (۱۲۹۲ — ۱۳۷۳) مؤلف « دائرة المعارف القرن العشرين » .

— احمد امین مصری ، (۱۲۹۵ — ۱۳۷۳) نویسنده المهدی و المهدویه « و « ضحی الاسلام » و « فجر الاسلام » .

— سعد محمد حسن مصری ، شاگرد احمد امین ، نگارنده « المهدیه فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم » .

— ابوزهره مصری ، از زمره علمای جامع ازهر مصر ، مؤلف « الامام زید » و « الامام الصادق » .

— دکتر احمد محمد علی ، مؤلف « دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمين » .

— علی حسین السائح لیبیائی ، مؤلف مقاله تراثنا و موازین النقد « مندرج در مجله کلیة الدعوة الاسلامیه لیبی شماره ۱۰ ، سنه ۱۹۹۳ صفحه ۱۸۵ و ۲۰۵ .

— محمد عبدالکریم عنّوم ، مؤلف رساله دکترای فلسفه به نام « النظرية السياسية المعاصرة للشيعة الامامية الاثني عشرية » .

— دکتر سلمان بدور ، صاحب « مقدمه » بر رساله عنّوم .

— شیخ عبدالله بن زید آل محمود ، رئیس شئون دینی و محاکم شرعی قطر ، مؤلف « لامهدی ينتظر بعد الرسول سيد البشر » .

— و شیخ جبهان در « تبديد الظلام » و جز اینها شیخ ... و ابو ...

ابن خلدون مغربی (درگذشته ۸۰۸) ، احادیث پیرامون مهدی منتظر را در تاریخش (ص ۵۵۵) ، فاقد اعتبار کمی و کیفی وانمود کرد و گفته های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت و قیام جهانی مهدی منتظر ، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و انکارحقایق اسلامی گردید ، در صورتیکه ابن خلدون یک مورخ نا آشنای با عالم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوییهای پیامبر اکرم (ص) را پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او در ۱۹ روایت وانمود و تخطئه کند .

همچنانکه حدود سه قرن و نیم پیش از پیدایش ابن خلدون ، ابن حزم اندلسی ظاهری (درگذشته ۴۵۶ هـ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخاست ، آن چنانکه عده ای از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته های او دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند .

و ابن حزم را کتابی است به نام « الفصل فی الملل و الاهواء و النحل » که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت مهدی منتظر داده است .

جالب توجه اینکه ردنویسان بر این کتاب ها و مقالات و شبهه افکنی ها ، وبازکننده گان مشیت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر و اثبات صحت و برخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هرچه بیشتر عالم حدیث شناسی — بیکار نشستند ، بلکه بهترین و محققانه ترین ردیه ها را بر آنها نوشته و انتشار دادند و از این رهگذر مشیت خرابکاری و بیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز و بساط دروغبافی و انکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عج را برچیدند ، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه و مشاغل وقت گیر تنها به تعدادی از آنها برخورد نمودم و لازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم و آنها بدین قرار است:

ردیه های علما و دانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

— ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ،

ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری ، شافعی ، ازهری ، مغربی ، (درگذشته ۱۳۸۰) چاپ مطبعه ترقی دمشق ۱۳۴۷ ،

۲- ابراز الوهم من کلام ابن حزم ،

احمد بن صدیق غماری مؤلف قبل ، چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی دمشق ،

۳- الاحتجاج بالاثّر علی من انکر المهدی المنتظر ،

شیخ حمّود بن عبدالله تویجری ، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه ، در رد بر شیخ ابن محمود قاضی قطر در دو جلد ، چاپ جلد اول ۱۳۹۴ و جلد دوم ۱۳۹۶ در ریاض ،

۴- الی مشیخة الازهر ،

شیخ عبدالله سبیتی عراقی در رد بر « الیهودیة فی الاسلام » سعد محمد حسن ، ج ۱۳۷۵ هـ دارالحديث بغداد ،

۵- تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر ،

شیخ محمد عبدالعزیز بن مانع (۱۳۸۵) پیرامون اثبات احادیث حضرت مهدی ، و در رد گفته های ابن خلدون ،

۶- الجزم ، لفصل ابن حزم ،

در رد این حزم است که بخشی از کتاب « الفصل فی الملل و الاهوا و النحل » او در تخطئه و تکذیب احادیث مهدی منتظر میباشد ، و شیخ کاظم حلی (متولد حوالی ۱۳۰۰) آن را در دو جلد ضخیم تنظیم و چاپ نمود . [الذریعه ۱۰۴/۵] ،

۷- الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی ،

عبدالمحسن العلب ، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت تدریسی آن ، چاپ مجله دانشگاه شماره ۴۵ ص ۲۹۷ — ۳۲۸ و شماره ۴۶ ص ۳۶۱ — ۳۸۳ ،

این مقاله یا رساله که بیانگر محققانه ترین بحث حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد بر کتاب « لامهدی ینتظر بعد الرسول » شیخ ابن محمود قطری است و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده ، هرچند در امر ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می باشد که اعتراف به هر دو موضوع نموده اند ، و این جانب را در این زمینه با او خاطره ای است که در کتاب « شناخت امام » آورده ام و در اینجا مجال ذکرش نیست ،

۸- مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه ،

محمد امین زین الدین چاپ مطبعة دارالنشر نجف اشرف ۱۳۷۱ هـ ۱۹۵۱ م ،

۹- المهدی واحمد امین ،

محمد علی زهیری نجفی ، چاپ اول ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م نجف اشرف ،

این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است ،

۱۰- نقد الحديث بين الاجتهاد و التقليد

سید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی، چاپ دوم قم، ۱۴۱۷ هـ،

۱۱- الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون،

ابوالعباس بن عبدالمؤمن، مغربی،

۱۲- هدی الغافلین الی الدین المبین،

سید مهدی صالح کشوان قزوینی،

این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت مهدی خلاصه شده و بسال ۱۳۳۵ از تالیف آن فراغت جسته،

[کتابنامه حضرت مهدی(ع) آقای مهدی پور ۷۷۸/۲]

اکنون می‌گوییم: فرموده‌های پیامبر اکرم (ص) در رابطه با موضوع نخستین مطرح‌کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می‌گردد:

بخش اول: ایراد حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر مسلمان بدون شناخت «امام زمان» زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود، و بطور کلی و قاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد.

بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری را (با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و رخدادهای مربوطه به دوران امامتش) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود.

بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور . . . که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرنخ گرفتن عقیده به او از یهود و نصاری خلاصه شده، فهرستوار می‌پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدهانفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می‌باشد.

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر (علیه السلام) از عالی ترین درجه اصالت اسلامی

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر یک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده اند، که ما درین مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، و می گوئیم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم ترین دلیل است بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا (ص)، و اینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی ترین درجه اعتبار حدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آنچنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود.

اضافه برین بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرحش بنظر میرسد، همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند و زمینه ای برای ایراد اباطیل مطرح شده وسیله پرفسور... نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی میباشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود.

اکنون نخست می پردازیم بذکر فهرست اسامی صحابه ناقل احادیث مهدی موعود منتظر و از آن پس به فهرست اسامی معترفین به تواتر آن احادیث و صحت و قابل استناد بودن آنها:

تذکر

نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب «مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما» — که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان «مهدی!» است (۲) — سنی حنفی می باشد و معمولاً با شیعه غیر مربوط بلکه طبعاً از تشیع دور و از پیروی امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رویگردان و آن را باطل می داند ما هم در نگارش و تنظیم این مقاله کاری به کار شیعه و استفاده از منابع مربوط به آن نداشته،

بلکه سراسر مقاله و صد در صد نقلیات حدیثی و تاریخی و اعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه و معتبر اهل تسنن است، با ارائه آدرس دقیق، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا یک مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم و بدور از دروغ و دروغبافی منابع اهل تسنن و نیز به احادیث متواتر و قطعی الصدور نبوی و مطرح شده در آن کتابها نت در دهد و سر تسلیم فرود آورد و از نوشته های خود (مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود و نصاری و نیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج) که غربال شده اباطیل مستشرقین یهودی و مسیحی است عذرخواهی کند، و در راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ و آسیب وارده بر آن را ترمیم نماید،

و یا جرأت خرج دهد و صاف و صریح بگوید: هرچند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند.

وگرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهنده مزخرفات آنها و جیره خوار پیگانگان دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم، اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و پی بردن به غرض ورزی و خیانت های دینی یا اشتباه کاری های این گونه نویسندگان، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم، تا سیه روی شود هر که دروغش باشد، و ما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم.

آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله « مهدی » اولین سرنخی که ارائه داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل و بی اساس وانمود کند، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی درحال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می برند و بر این اساس وانمود می کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است.

در حالیکه با بررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق دینی و مذهبی جهان فراوان و در حدّ غیر قابل انکار است، ولی بهیچ عنوانی اشتراک عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و بیراهه روی مسلمانان نخواهد بود.

از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی با بت پرستان مشترکند، اما در چگونگی و کم و کیف صفات سلبیه و ایجابیه الهی با هم اختلاف دارند.

یهود و نصاری برای خدا قائل به فرزندند، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند.

قران مجید درباره یهود و نصاری فرماید:

(قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصاری المسیح ابن الله) (توبه ، آیه ۳۰)

یهود گویند عزیر پسر خداست و نصاری گویند مسیح پسر خداست.

نیز قران فرماید:

(قالت اليهود و النصاری نحن ابناء الله و ...) (مائده ، آیه ۱۸)

یهود و نصاری گفته اند ما پسران خداوند هستیم. . .

نیز قرآن مجید فرماید:

(و قالت اليهود یدالله مغلوله غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا) (مائده ، آیه ۶۴)

یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند.

و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی - که نشانگر ضعف خدا و محدودیت قدرت و اختیار اوست - ندارند.

پس بطور خلاصه اگر اشتراک مسلمانان - مخصوصاً شیعه - با یهود و نصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودن عقیده به مهدویت است ، نیز اشتراک مسلمانان با یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت و ریشه داری عقاید توحیدی است ، نستعید بالله.

آری اگر اشتراک در بعضی عقائد حقّ دینی بافرقه های باطل و بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقّه باشد ، پس در صورتیکه افرادی شیاد ، فریبکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوای نبوت کردند و حتی هزاران نفر مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند ، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت.

به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست ، و به قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائنه یا جاهلانه - ازعناوین و شئون دینی و مقام نبوت ، خلافت ، امامت ، آیات قرانی ، احادیث نبوی و احکام مسلمة اسلام - تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده های مختلف و باز نستعید بالله.

در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید و شاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند ، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد ، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف ، داعی به شک در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن [۳] .

نیز ناصرالدین آلبانی همین موضوع را با دیگر عبارت ردّو ایراد نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد [۴] .

در پایان این مقال می گوئیم: والسفا به حال یک مسلمان استاد متخصّص « تاریخ مذاهب اسلامی » که با عقائد اسلامی این چنین برخورد عامیانه یا مغرضانه نماید و دین و قلم خود را به باد مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

حدیث

« من مات ولم يعرف امام زمانه مات میته جاهلیة »

یا

مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامت

یگانه مصلح جهانی امام مهدی منتظر(علیه السلام)

یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر حق و واجد شرایط همه جانبه — علمی و عملی و اخلاق و تقوایی — از جمله امام مهدی منتظر، محمد بن الحسن العسکری بخصوص، حدیث شریف:

« من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة » [۵]

و احادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی تفاوتی یا سماجت و عصیّت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با بت پرستان و مشرکین خواهد شد. و اکنون می پردازیم به ذکر متن های مختلف این حدیث و از آن پس به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل تسنن.

بخش اول

۱ - من لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.

۲ - من مات بغير امام مات میتة جاهلیة.

۳ - من مات ليلة وليس في عنقه بيعة امام مات میتة جاهلیة.

۴ - من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة .

۵ - من مات ولا بيعة عليه مات میتة جاهلیة.

۶ - من مات ولا طاعة عليه مات میتة جاهلیة.

۷ - من مات و لم يعرف امام زمانه فليمت ان شاء يهودياً و ان شاء نصرانياً.

۸ - من مات ولم يعرف امام زمانه ، مات میتة جاهلیة.

۹ - من مات وليس عليه امام جامع فقد مات میتة جاهلیة.

۱۰ - من مات وليس عليه امام ، فميتته ميتة جاهلية.

۱۱ - من مات وليس عليه امام مات ميتة جاهلية.

۱۲ - من مات و ليس (ليست) عليه طاعة مات ميتة جاهلية.

۱۳ - من مات و ليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية .

۱۴ - من مات و ليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية.

۱۵ - من مات و ليس له امام فميتته ميتة جاهلية.

بخش دوم

۱ - ليس احد يفارق الجماعة شبراً فيموت ، الا مات ميتة جاهلية.

۲ - من خالف المسلمين قيد شبر ثم مات ، مات ميتة جاهلية.

۳ - من خرج عن الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات ميتة جاهلية.

۴ - من خرج من الجماعة قيد شبر ، فقد خلع ربقة الاسلام من رأسه

۵ - من خرج من السلطان شبرا ، مات ميتة جاهلية.

۶ - من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات ، فميتته جاهلية.

۷ - من خرج من الطاعة و فارق الجماعة . . . فليس مني ولست منه.

۸ - من خلعه بعد عهدها ، لقي الله ولا حجة له.

۹ - من خلع يداً من طاعة ، لقي الله يوم القيامة لا حجة له.

۱۰ - من خلع يدا من طاعة مات ميتة جاهلية .

۱۱ - من فارق الجماعة او خلع يدا من طاعة ، مات ميتة جاهلية.

۱۲ - من فارق الجماعة شبرا فمات ، فميتته جاهلية.

۱۳ - من قتل تحت راية عمية تدعوا عصبية او ينصر عصبية فقتله (قتلة) جاهلية.

۱۴ - من مات تحت راية عصبية ، فقتلته قتلة جاهلية.

۱۵ - من مات علی غیر طاعة مات لا حجة له.

۱۶ - من مات و هو مفارق للجماعة ، مات ميتة جاهلیة .

۱۷ - من نزع يداً من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات ، مات ميتة جاهلیة.

۱۸ - من نزع يداً من طاعة ، جاء يوم القيامة لاحجة له.

[۱] — ۱ - « مهدی منتظر را بشناسید » تالیف نگارنده این مقاله - مهدی فقیه ایمانی - چاپ ۱۳۸۴ هـ اصفهان ، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عج است .

۲ - « کتابنامه امام المهدی » نشریه یکی از مساجد تهران (صندوق پستی ۲۲۲۳ ، تهران) شامل معرفی ۳۵۵ جلد کتاب می باشد که به طور اختصاصی یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعض شئون آن حضرت است .

۳ - « در جستجوی قائم » بیانگر اسامی ۱۸۵۰ جلد کتاب می باشد که تعداد ۴۲۹ جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی های کلامی ، حدیثی ، تاریخی و غیره درباره حضرت بقیة الله مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال ۱۳۷۰ هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است .

۴ - و از همه پرمایه تر « کتابنامه حضرت مهدی عج » از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور است ۲ جلد شامل معرفی ۲۰۶۶ جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و زبانی و موضوعی هریک ذکر شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده ، و راهگشای محققین و مؤلفین میباشد .

[۲] — توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت، و پس از تنظیم این ردیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» (Ehl - i Beyt mesajl) شماره ۱۵، چاپ ترکیه چاپ و منتشر گردید.

بدین وسیله از مسئولان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق بیش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

[۳] — نظرة فی احادیث المهدی ، مندرج در مجله التمدن الاسلامی ، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدی عند اهل السنة.

[۴] — مقال حول المهدی مندرج در دو مصدر فوق.

[۵] — توضیحا کتاب « شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی » چ ۱۴۱۲ هـ در ۵۴۶ صفحه وزیری ، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق است از دیدگاه اهل تسنن.

اما متون تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل و راوی و ناقل هر یک از مجموع احادیث، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است، تنها به ذکر ناقلان از این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم.

در پایان اینمقال کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است ([۱]).

واینک میپردازیم به ذکر قسمتی از اسناد حدیث و راویان و ناقلان از اهل تسنن.

۱ - « مسند » ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته (۲۰۴) از عبد الله بن عمر بلفظ: « من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة ، و من نزع یداً من طاعة جاء یوم القيامة لاحجة له » نیز رجوع شود به کنز العمال.

۲ - « مصنف » یا « جامع کبیر در حدیث » حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته (۲۱۱) چاپ مجلس علمی پاکستان، ج ۱۱ ص ۳۳۰ بشماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: « من فارق الجماعة شرافمات مات میتة جاهلیة ».

۳ - « سنن » سعید بن منصور خراسانی در گذشته (۲۲۷) از عامر بن ربیعہ صحابی بلفظ: « من مات و لیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة » ([۲]) به نقل کنز العمال.

۴ - « مسند » حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری در گذشته (۲۳۰) ۸۵۰/۲ شماره ۲۳۷۵ چاپ کویت، از عبد الله بن عامر از پدرش عامر بن ربیعہ، بلفظ: « من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة ، و من خلعهها بعد عقدہا ایاها لقی الله ولا حجة له. ».

۵ - « طبقات الکبری » محمد بن سعد کاتب واقدی در گذشته (۲۳۰) ج ۵ ص ۱۰۷ چاپ لیدن و ص ۱۴۴ چاپ بیروت، ذیل شرح حال عبد الله بن مطیع بلفظ: « من مات و لایبیه علیه مات میتة جاهلیة » به روایت از عبد الله بن عمر. نیز مراجعه شود به کنز العمال ۱ / ۱۰۳ شماره ۴۶۳.

۶ - « مصنف » حافظ ابن ابی شیبہ، أبوبکر عبد الله بن محمد، در گذشته (۲۳۴) ج ۱۵ ص ۲۴ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: « من فارق الجماعة شبراً فمات مات میتة جاهلیة ».

و ص ۳۸ شماره ۱۹۰۴۷ از عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: « من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة ، و من خلعهها بعد عقدہ ایاها فلا حجة له » و نیز بلفظ: « من مات و لیست علیه طاعة ، مات میتة جاهلیة »

و ص ۵۲ شماره ۱۹۰۹۰ بلفظ: « من ترک الطاعة و فارق الجماعة فمات ، فمیتة جاهلیة ، و من خرج تحت رایة عمیة یغضب لعصبیة او ینصر عصبه او یدعوا الی عصبه ، فقتل فقتلته جاهلیة ».

نیز مراجعه شود به کنز العمال (۶۵/۶ شماره ۱۴۸۶۱).

۷ - « المعیار والموازنة » علامه متکلم ابوجعفر اسکافی در گذشته (۲۴۰) ص ۲۴ بلفظ: « من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة » از عبد الله بن عامر

۸ - « نقض العثمانية » نیز از اسکافی ص ۱۱ - ۱۲ و به نقل ابن ابی الحدید ۱۳ / ۲۴۲ بلفظ فوق.

۹ - « مسند » احمد بن حنبل در گذشته (۲۴۱) ج ۲ ص ۸۳ و ۱۵۴ بلفظ: « من مات و هو مفارق للجماعة مات ميتة جاهلية » و ص ۱۱۱ بلفظ: « من مات و قد نزع يده من بيعة كانت ميتته ميتة ضلال » از ابن عمر ، و ص ۲۹۶ بلفظ: « من خرج من طاعة و فارق الجماعة مات ميتة جاهلية » از ابوهريره. و ج ۳ ص ۴۴۶ بخش مسند عامر بن ربيعه بلفظ: « من مات و ليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية » به روايت از نامبرده و ج ۴ ص ۹۶ بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية » از معاوية بن ابی سفیان.

۱۰ - « الاموال » حميد بن زنجويه در گذشته (۲۵۱) ج ۱ ص ۸۱ بشماره ۴۰ چاپ رياض از ابوهريره بلفظ: « من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات ، فميتة جاهلية » و ص ۸۲ بشماره ۴۲ بلفظ: « من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية ، و ان خلعها بعد عقدها في عنقه لقي الله و ليست له حجة » از عبدالله بن عامر بن ربيعه از پدرش و شماره ۴۳ از ابن عمر (در حالیکه روی سخنش به ابن مطيع - والی مدینه از طرف عبد الله بن زبیر بهنگام قتل عام مردم آن بدست بسر بن ارتاط از جانب یزید - بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود): « من مات على غير طاعة مات لاجلة له و من مات قد نزع يدا من بيعة كان على الضلال » و ناگفته پیداست که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات میخواست از این حدیث به نفع یزید (که مردم مدینه و از جمله بعضی از صحابه رسول الله (ص) او را از خلافت خلع کرده بودند) سوء استفاده کند ، فحشره الله مع یزید بن معاویه و جده و ابيه.

۱۱ - « سنن » امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی در گذشته (۲۵۵) ج ۲ ص ۲۴۱ بلفظ: « ليس من احد يفارق الجماعة شبرا فيموت ، الا مات ميتة جاهلية » از ابن عباس .

۱۲ - « صحيح » محمد بن اسماعيل بخاری در گذشته (۲۵۶) ج ۲ ص ۱۳ و در چاپ دیگر مصر ج ۹ ص ۵۹ باب فتن از ابن عباس بلفظ: « من خرج من السلطان شبرا مات ميتة جاهلية » و بلفظ: « من فارق الجماعة شبرا فمات (الامات خ) ميتة جاهلية ».

۱۳ - نیز « تاريخ الكبرى » بخاری ۶ / ۴۴۵ شماره ۲۹۴۳ از عامر بن ربيعه از پدرش بلفظ: « من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية » و در ج ۴ ص ۵۴ شماره ۱۹۳۸ بلفظ: « من فارق الجماعة قيد شبر فقد فارق الاسلام ».

۱۴ - « صحيح » مسلم در گذشته (۲۶۱) ج ۶ ص ۲۱ - ۲۲ شماره ۱۴۸۹ بلفظ: « من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية » از عبد الله بن عمر و بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمات ، مات ميتة جاهلية » و نیز « من فارق الجماعة شبرا فمات فميتة جاهلية ».

و در ج ۸ ص ۱۰۷ بلفظ: « من لم يعرف امام زمانه فمات ميتة جاهلية » (ملحقات الاحقاق ۱۳ / ۸۵)

۱۵ - « العلل الواردة في الاحاديث » ابوالحسن علي بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی دارقطنی شافعی (۳۰۵ / ۳۰۶) ج ۷ ص ۶۳ بلفظ: « من مات لغير امام مات ميتة جاهلية » به سه سند از معاویه و دو سند از ابوهريره.

۱۶ - « زوائد » احمد بن عمر بزار در گذشته (۳۲۰) ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۲ ص ۱۴۳ بلفظ: « من مات و ليس عليه امام فميتة ميتة جاهلية ، و من مات تحت راية عصبية ، فقتلته قتلة جاهلية ».

۱۷ - «الکنى والاسماء» حافظ دولابى درگذشته (۳۲۰) ج ۲ ص ۳ چاپ دائرة المعارف حیدرآباد دکن بلفظ: «من مات و ليس عليه امام جامع فقد مات ميتة جاهلية، و من خرج من الجماعة فقد خلع ربة الاسلام من عنقه» از ابن عمر.

۱۸ - «عقد الفريد» ابوعمر، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسى درگذشته (۳۲۷) ج ۱ ص ۹ سطر ۱۲ بلفظ: «من فارق الجماعة او خلع يدامن طاعة، مات ميتة جاهلية».

۱۹ - «صحيح ابن حبان»، ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی، بستى شافعى درگذشته (۳۵۴) به شرح «احسان بترتيب صحيح ابن حبان» شماره ۴۴ بلفظ: «من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية».

۲۰ - «كتاب المجروحين» نیز از ابوحاتم ج ۱ ص ۲۸۰ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، و من مات و ليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية، و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر فقتله جاهلية» به روايت از ابن عباس

۲۱ - «معجم الكبير» حافظ ابوالقاسم طبرانى درگذشته (۳۶۰) ج ۱۰ ص ۳۵۰ حديث ۱۰۶۸۷ (شماره مسلسل) بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قى شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه و من مات وليس عليه امام فميتته جاهلية ومن مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر عصبية فقتله جاهلية» به روايت از ابن عباس. وج ۱۹ ص ۳۸۸ شماره ۹۱۰ چاپ بغداد بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» به روايت معاويه، و به لفظ «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية» از عامر بن ربيعة (نیز رجوع شود به كنز العمال ج ۶ ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱).

۲۲ - «معجم اوسط» نیز از طبرانى ج ۱ ص ۱۷۵ شماره ۲۲۷ بلفظ: «من مات و لابيعة عليه مات ميتة جاهلية» و باديگرافاظ مختلف ذيل كتاب «مجمع الزوائد» بيايد.

۲۳ - «الكامل في ضعفاء الرجال» ابواحمد عبد الله بن محمد، معروف به ابن عدی جرجانى در گذشته (۳۶۵) ج ۵ ص ۱۸۶۹ بلفظ: «من مات و ليس عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» به روايت عامر بن ربيعة.

۲۴ - «مستدرک الصحيحين» حاكم نيشابورى در گذشته (۴۰۵) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ از ابن عمر بلفظ: «من مات و ليس عليه امام جماعة فان موته موتة جاهلية».

۲۵ - «المغنى» قاضى القضاة معتزلى، عبد الجبار بن احمد همدانى اسدآبادى درگذشته (۴۱۵) جزء متمم عشرين ج ۱ ص ۱۱۶ بلفظ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية».

۲۶ - «ندیم الفريد» علامه محقق ابوعلى، احمد بن محمد بن يعقوب مسكويه - كه اصلش ازرى و مقيم و درگذشته اصفهان بسال (۴۲۱) بوده است بلفظ: «من مات ليلة وليس في عنقه بيعة امام فقد مات ميتة جاهلية» ([۳])

۲۷- «حلیة الاولیاء» حافظ ابونعیم اصفهانی درگذشته (۴۳۰) ج ۳ ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات بغیر امام فقد مات میتة جاهلیة ومن نزع یدہ من طاعة (یدا من طاعة الله) جاء يوم القيامة لاحجة له» به روایت از طیالسی. اضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلم بوده، مسلم در حدیث خود آنرا از زید روایت نموده و گفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند.

سپس هشت نفر از تابعین را نام برده که این حدیث را روایت نموده اند.

۲۸- «المنتقى فی الاخبار» مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی درگذشته (۴۳۷) به شرحی که در «نیل الاوطار فی شرح منتقى الاخبار» تحت شماره ۶۶ بیاید

۲۹- «سنن بیهقی» درگذشته (۴۵۸) ج ۸ ص ۱۵۶-۱۵۷ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة»

و بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» و نقل از بخاری و مسلم.

۳۰- «شعب الایمان» نیز از بیهقی، به شرح مختصر آن که تحت شماره ۴۵ بیاید.

۳۱- «المتفق و المفتح» ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی درگذشته (۴۶۳) بلفظ: «من نزع یدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة، ومن خلعهها بعد عهدہا لقی الله ولا حجة له» از ابن عمر (کنز العمال ۶۶/۶ شماره ۱۴۸۶۵)

۳۲- «جمع بین صحیحین - بخاری و مسلم -» محمد بن فتوح حمیدی درگذشته (۴۸۸) بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»

(به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج ۲ ص ۳۰۶ بواسطه کنز العمال (۱/۱۸۶ چاپ حیدرآباد) آنرا نقل نموده، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده)

۳۳- «شرح المبسوط فی الفقه» شمس الدین سرخسی (درگذشته ۴۹۰).

۳۴- «شرح السیر الکبیر شیبانی» نیز از سرخسی ج ۱ ص ۱۱۳ چاپ حیدرآباد ۱۳۳۵.

نیز ج ۱ ص ۱۶۷ چاپ ۱۹۷۱ م قاهره بلفظ: «من اتاه من امیره ما یکرهه فلیصبر، فان من خالف المسلمین قید شبر، ثم مات، مات میتة جاهلیة»

۳۵- «ربیع الابرار» محمود بن عمر زمخشری درگذشته (۵۳۸) ج ۴ ص ۲۲۱ باب الملك و السلطان بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه لامام المسلمین بیعة فمیتة جاهلیة»

۳۶- «ملل و نحل» محمد بن عبد الکریم شهرستانی شافعی درگذشته (۵۴۸) ج ۱ چاپ قاهره ص ۱۷۲ ذیل «الاسماعیلیه» بلفظ: «ان من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» و نیز: «من مات و لم یکن فی عنقه بیعة امام، مات میتة جاهلیة»

- ۳۷ - « مصباح المصیبي فی خلافة المستضيئ » ابوالفرج ، عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی در گذشته (۵۹۷) ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۷ چاپ اوقاف عراق بسال ۱۳۹۷ شامل احادیث کلیات خلافت از جمله حدیث: « من فارق الجماعة شبراً فمات ، فمیتته جاهلیة ».
- ۳۸ - « جامع الاصول » ابن اثیر جزری در گذشته (۶۰۶) ج ۴ ص ۴۵۶ بلفظ: « من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة » از ابن عباس از طریق بخاری و مسلم و بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات میتة جاهلیة ، و من قتل تحت رایة عمیة یغضب لعصبیة او یدعوا الی عصبیة فقتل ، فقتلته جاهلیة » به روایت از ابوهریره ، از طریق مسلم و نسائی .
- ۳۹ - « مسائل الخمسون » محمد بن فخر رازی در گذشته (۶۰۶) مسئله ۴۷ ص ۳۸۴ چاپ - ضمیمه مجموعه رسائل - مصر مطبعة علمی کردستان سال ۱۳۲۸ بلفظ: « من مات و لم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا » (کتاب « پیرامون معرفت امام » از علامه فقیه صافی گلپایگانی ص ۸)
- ۴۰ - « المغنی فی شرح الخرقی » ابن قدامه ، عبدالله بن احمد مقدسی جماعلی دمشقی حنبلی در گذشته (۶۲۰) ج ۱۰ ص ۴۶ چاپ بیروت ، تحت عنوان « قتال اهل البغی » به روایت انس و بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، فمیتته جاهلیة »
- ۴۱ - « فتح العزیز علی کتاب الوجیز » ابوالقاسم ، عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی در گذشته (۶۲۳) به تفصیلی که در تلخیص الحبیر شماره ۵۶ بیاید.
- ۴۲ - « شرح نهج البلاغه » ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته (۶۵۶) ج ۹ ص ۱۵۵ بلفظ: « من مات بغير امام مات میتة جاهلیة » باضافه جمله « واصحاب ما همه قائل به صحت ودرستی این قضیه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت. وج ۱۳ ص ۲۴۲ بلفظ: « من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة » به نقل عبدالله بن عمر ، و اضافه میکند: وی شبانه به در خانه حجاج (ابن یوسف ثقفی) رفت تا برخلاف عبدالملک مروان باوی که از طرف اوحاکم عراق بود ، بیعت کند ، به این دلیل که پیامبر فرموده: « من مات و لا امام له مات میتة جاهلیة » ولی روش تحقیرآمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: (جهت بیعت) دست خود را به پای من متصل کن. و اینچنین بجای مراسم بیعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود.
- ۴۳ - « شرح صحیح مسلم » حافظ نووی در گذشته (۶۷۶) ج ۱۲ ص ۲۴۰
- ۴۴ - « ریاض الصالحین » نیز از نووی ج ۱ ص ۴۳۷ شماره ۶۶۲ و در چاپ دمشق ص ۲۸۴- ۲۸۵ شماره ۶۶۳ بلفظ: « من خلع یداً من طاعة لقی الله يوم القيامة ولا حجة له ، و من مات و ليس فی عنقه بیعة ، مات میتة جاهلیة » رواه مسلم. و فی روایه له: « من مات وهو مفارق للجماعة فانه يموت میتة جاهلیة » و به شماره ۶۷۰ بدین عبارت آمده: « من کره من امیره شیئاً فلیصبر ، فانه من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة » متفق علیه.
- ۴۵ - « مختصر شعب الایمان - بیهقی - » از ابوجعفر عمر قزوینی در گذشته (۶۹۹) ص ۱۰۶ چاپ مصر بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ثم مات ، مات میتة جاهلیة » به روایت از ابوهریره و نقل از مسلم.

۴۶ - «الاحسان تبوتیب صحیح ابن حبان» امیر علاء الدین ، علی بن بلبان فارسی حنفی درگذشته (۷۳۹) ج ۷ ص ۴۹ چاپ بیروت ، بلفظ: « من مات ولیس له امام مات میتة جاهلیة » از طریق ابویعلی به روایت از معاویه.

۴۷ - « تلخیص المستدرک » حافظ ذهبی درگذشته (۷۴۸) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ نقل و اقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده.

۴۸ - « تفسیر » ابن کثیر دمشقی درگذشته (۷۷۴) ج ۱ ص ۵۱۷ بلفظ: « من مات و لیس فی عنقه بیعة ، مات میتة جاهلیة ».

۴۹ - نیز « تاریخ ابن کثیر » ج ۷ ص ۲۳۲ بدین شرح که چون مردم - بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند عبد الله بن عمر فرزندان و اهلبیت خود را جمع نمود و پس از تشهد گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد (یزید بن معاویه) بیعت کردیم و شنیدیم رسول خدا میگفت: « من نزع یداً من طاعة ، فانه یأتی یوم القيامة لاحجة له ، و من مات مفارق الجماعة فانه یموت موتة جاهلیة » پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید و مبادا در این باره اسراف و تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد.

۵۰ - « شرح المقاصد » سعدالدین تفتازانی (۷۹۲) ج ۲ ص ۲۷۵ بلفظ: « من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة » اضافه کرده است این حدیث همانند: (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) میباشد.

۵۱ - « شرح - عقائد نسفی - » نیز از محقق تفتازانی چاپ ۱۳۰۲ ، لکن چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط گردیده فاقد این حدیث میباشد. (الغدیر ۱۰ / ۳۶۰)

۵۲ - « مجمع الزوائد » نور الدین هیثمی درگذشته (۸۰۷) ج ۵ ص ۲۱۸ بلفظ: « من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة » به روایت از معاویه و بلفظ: « من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة » و ص ۲۱۹ بلفظ: « و من خرج من الجماعة قید شبر متعمدا فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه و من مات و لیس لامام جماعة علیه طاعة مات میتة جاهلیة » از معاذ بن جبل به روایت طبرانی و بلفظ: « . . . من أصبح لیس لأمر جماعة علیه طاعة بعثه الله یوم القيامة من میتة جاهلیة » از ابودرداء از طریق طبرانی. و ص ۲۲۳ بلفظ: « من مات و لیس علیه طاعة مات میتة جاهلیة » به نقل از عامر بن ربیع و طریق احمد بن حنبل ، ابویعلی ، بزار و طبرانی و ص ۲۲۴ بلفظ: « من مات و لیس علیه امام ، فمیتة جاهلیة » به روایت از ابن عباس و طریق بزار و طبرانی در معجم اوسط. و ص ۲۲۵ بلفظ: « من مات و لیس علیه امام ، مات میتة جاهلیة » به روایت از معاویه بن ابی سفیان از طریق طبرانی در معجم اوسط.

۵۳ - « کشف الاستار عن زوائد البزار علی الکتب الستة » نیز از هیثمی ج ۲ ص ۲۵۲ حدیث ۱۶۳۵ چاپ مؤسسه رسالت ، بلفظ: « من فارق الجماعة قیاس (او قید) شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه ، و من مات و لیس علیه امام فمیتة جاهلیة ، و من مات تحت رأية عصبية او ينصر عصبية فقتلته قتلة جاهلیة ».

۵۴ - « فتح الباری شرح صحیح بخاری » احمد بن محمد بن حجر عسقلانی درگذشته (۸۵۲) ج ۱۶ ص ۱۱۲ بلفظ: « من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة » به روایت از ابن عمر.

۵۵ - « مطالب العالیة » نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۲ ص ۲۲۸ تحت شماره ۲۰۸۸ بلفظ: « من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية »

۵۶ - « تلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الكبير » نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۴ ص ۴۱ بلفظ: « من خرج عن الجماعة قید شبر فقد خلع ربة الاسلام . . . » به روایت از ابن عمر. وص ۴۲ بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمیتته جاهلیة » به روایت از ابوهریره (فهارس کتاب فوق ص ۲۸۹، ج دارالمعرفه بیروت)

۵۷ - « جمع الجوامع » یا « جامع الاحادیث » عبدالرحمن سیوطی درگذشته (۹۱۱) بشرح مندرج در کنز العمال.

۵۸ - « تیسیر الاصول » ابن دبیع شیبانی درگذشته (۹۴۴) ج ۳ ص ۳۹ به روایت از ابوهریره بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمات ميتة جاهلية » از طریق دو صحیح بخاری و مسلم.

۵۹ - « کنز العمال » حسام الدین متقی هندی درگذشته (۹۷۵) ج ۱ ص ۱۰۳ شماره ۴۶۳ چاپ حلب بلفظ: « من مات و لا بیعة عليه مات ميتة جاهلية » به روایت از ابن عمر به نقل از مسند احمد و ابن سعد. و شماره ۴۶۴ بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية » به روایت معاویه و از طریق احمد حنبل و طبرانی. وص ۲۰۷ شماره ۱۰۳۵ بلفظ: « من خرج من الجماعة قید شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه حتى يراجعه ، و من مات و ليس عليه امام جماعة فان موته موة جاهلية » از ابن عمر و از طریق مستدرک حاکم. و شماره ۱۰۳۷ بلفظ: « من فارق المسلمين قید شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه ، و من مات ليس عليه امام فمیتته ميتة جاهلية ، و من مات تحت راية حُمیة يدعوا الى عصبية او ينصر عصبية فقتله جاهلية » از طریق طبرانی (در معجم کبیر) به روایت ابن عباس وص ۲۰۸ شماره ۱۰۳۸ بلفظ: « من فارق جماعة المسلمين شبرا ، أخرج من عنقه ربة الاسلام . . . و من مات من غير امام جماعة مات ميتة جاهلية » به روایت ابن عمر از طریق حاکم در مستدرک. وص ۳۷۹ شماره ۱۶۴۹ بلفظ: « من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربة الاسلام من عنقه » از علی به روایت از بیهقی وج ۶ ص ۵۲ شماره ۱۴۸۰۹ بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة ، فمات ، مات ميتة جاهلية . . . » به روایت از ابوهریره از طریق احمد ، نسائی و مسلم. و شماره ۱۴۸۱۰ بلفظ: « من مات و ليس في عنقه بيعة ، مات ميتة جاهلية » به روایت از ابن عمر از طریق مسلم. وص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ بلفظ: « و من مات و ليست عليه طاعة ، مات ميتة جاهلية » به روایت از عامر بن ربیع از طریق ابن ابی شیبہ (در مصنف) و احمد حنبل (در مسند) و طبرانی (در معجم کبیر) و سعید بن منصور (در سنن) و شماره ۱۴۸۶۳ بلفظ: « من مات بغير امام مات ميتة جاهلية ، و من نزع يدا من طاعة جاء يوم القيامة لاحجة له ». به روایت از عبدالله بن عمر و نقل از « معجم کبیر » طبرانی و « حلیه الاولیاء » ابونعیم. وص ۶۶ شماره ۱۴۸۶۵ بلفظ: « من نزع يدا من طاعة الله و فارق الجماعة ثم مات ، مات ميتة جاهلية ، و من خلعتها بعد عهدا لقي الله و لا حجة له » به روایت ابن عمر از طریق خطیب بغدادی در « المتفق والمفترق ».

۶۰ - « جواهرالمضیئه » ملاعلی قاری حنفی درگذشته (۱۰۱۴) درخاتمه کتاب ج ۲ ص ۵۰۹ بلفظ: « من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية » و در ص ۴۵۷ گوید: و فرموده او (پیامبر) ص در صحیح مسلم « من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية » معنایش این است که: هر کس شناسد آن کس را (که اقتدا به او و رهنمون شدن بدو - در زمانی که دست اندر کار امامت و رهبری است - واجب باشد) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود.

۶۱ - «مجمع الفوائد» محمد بن سلیمان مغربی درگذشته (۱۰۹۴ درشام) ج ۲ ص ۲۵۹ چاپ بیروت شماره ۶۰۴۸، بلفظ: «من مات بغیر امام، مات میتة جاهلیة» ودر روایت دیگر تحت شماره ۶۰۴۹ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از معاویه بن ابی سفیان.

۶۲ - «بريقة المحمودیه» شیخ ابوسعید خادمی حنفی درگذشته (۱۱۶۸) ج ۱ ص ۱۱۶ چاپ مصطفی حلبی قاهره، بلفظ: «من مات ولم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة» (ملحقات احقاق الحق ج ۱۹ پاورقی ص ۶۵۱)

۶۳ - «ازالة الخفاء فی مناقب الخلفاء» شاه ولی الله دهلوی درگذشته (۱۱۷۶) ج ۱ ص ۳ بلفظ: «من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» آنرا ذکر نموده و برای اثبات وجوب کفائی نصب خلیفه بر مسلمین تا روز قیامت، بدان استدلال کرده است.

۶۴ - «ازالة الغین» علامه فقیه مولی حیدر علی بن محمد فیض آبادی هندی درگذشته (۱۲۰۵) دربحث از بی اعتباری بعضی از احادیث بخاری، چاپ دهلی ۱۲۹۵ بلفظ: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (المدخل حدیث غدیر از عبقات ص ۶۱)

۶۵ - «فواتح الرحموت» - شرح «مسلم الثبوت» شیخ محب الله بهاری هندی حنفی درگذشته (۱۱۱۹) - از عبد العلی محمد بن نظام الدین محمد انصاری هندی درگذشته (۱۲۲۵) ج ۲ ص ۲۲۳ - ۲۲۴ چاپ لکهنو ۱۸۷۸م بلفظ: «لم یفارق الجماعة احد و مات الا مات میتة جاهلیة» به روایت از بخاری و نیز در چاپ بولاق در حاشیه مستصفی غزالی ج ۲ ص ۲۲۴.

۶۶ - «نیل الاوطار» بشرح «المنتقى فی الاخبار» - «قاضی محمد بن علی شوکانی یمنی درگذشته (۱۲۵۵) ج ۷ ص ۳۵۶ چاپ بیروت ۱۹۷۳ بلفظ: «من رای من أمیره شیئا یکرهه فلیصبر، فانه من فارق الجماعة شبرا فمات، فمیتة جاهلیة» از ابن عباس.

و بلفظ: «من کره من أمیره شیئا فلیصبر علیه، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبرا فمات علیه الا مات میتة جاهلیة» از ابن عباس. و بلفظ: «و من خلع یدا من طاعة لقی الله ولا حجة له، و من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از ابن عمر به نقل از مسلم. و ص ۳۵۷ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فکانما خلع ربقة الاسلام من عنقه» به روایت از حرث بن حرث اشعری و نقل از ترمذی و ابن خزیمه و ابن حبان و روایت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانی در اوسط.

۶۷ - «ینایع الموده» علامه شیخ سلیمان بلخی قندوزی درگذشته (۱۲۹۴) باب ۳۹ ص ۱۳۷ چاپ حیدریه نجف و ص ۱۱۷ چاپ اسلامبول بلفظ: «و فی المناقب بالسند عن عیسی بن السری قال: قلت لجعفر بن محمد الصادق (ع) حدثنی عما ثبت علیه دعائم الاسلام، اذا أخذتُ بها زکاً عملی و لم یضرنی جهل ما جهلت.

قال: شهادة أن لا اله الا الله وأنَّ محمداً رسول الله، والاقرار بما جاء به من عند الله، وحق فی الأموال من الزکاة والاقرار بالولاية التي أمر الله بها ولاية آل محمد (ص)، قال رسول الله (ص): «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة. قال الله عزوجل: أطيعوا الله وأطيعوا الرسول و أولی الأمر منكم.

فكان علی صلوات الله علیه ثم صار من بعده حسن ثم حسین ثم من بعده علی بن الحسین ثم من بعده محمد بن علی و هكذا یكون الأمر، ان الأرض لاتصلح الا بالامام، و من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».

۶۸- « صيانة الانسان عن وسوسة الشیخ دحلان » در دفاع از عقائد وهابی حجاز ، تألیف محمد بن بشیر سهسوانی هندی وهابی درگذشته (۱۳۲۶) چاپ مصر ص ۱۴۹ بلفظ: « لیس أحد یفارق الجماعة شبرا فیموت الامات میتة جاهلیة » از ابن عباس و بلفظ: « من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات ، مات میتة جاهلیة » از ابوهریره به نقل از مسلم. وص ۳۰۷ تا ۳۱۵ با الفاظ مختلف واسناد متعدد و ذکر مصادر ، حدیث موضوع بحث را نقل و بدان استدلال کرده است و در پایان باب مکمل مئه (صدم) ص ۶۲۵ به نقل از شیخ بهاء الدین عاملی در « اربعین » بعنوان حدیث متفق علیه بین عامه و خاصه ، و بلفظ: « من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة » و نیز به نقل از ملل و نحل شهرستانی.

۶۹- « تاریخ آل محمد » علامه قاضی بهلول بهجت افندی ، از اهالی قفقاز (آذربایجان شوروی) وساکن زنگنه زور ترکیه درگذشته (۱۳۵۰) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و در آخر آن بلفظ: « من مات و لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة » و بعنوان متفق علیه علمای خاصه و عامه این حدیث را ذکر کرده است.

۷۰- « الامام جعفر الصادق » علامه محقق مستشار عبد الحلیم جندی مصری معاصر ، چاپ مجلس اعلی شئون اسلامی جمهوری مصر قاهره ۱۳۹۷ در پاورقی ص ۱۷۴ بلفظ: « من مات ولیس له امام ، فمیتة جاهلیة » بطور ارسال مسلم

اسامی راویان حدیث « من مات ولم یعرف... » و احادیث مشابه

توضیح این مطلب لازم است که مجموع راویان احادیث بخش اول (یعنی حدیث « من مات ولم یعرف... ») عبارت از هفت نفر از صحابه پیامبر اکرم (ص) و راویان مورد قبول اهل تسنن بوده اند که بنوشته ذهبی در « الکاشف » صاحبان صحاح سته همه از یک یک این هفت نفر بطور فراوان نقل روایت کرده اند و عملا صدق گفتار وصحت روایات آنها را تایید و اعلام نموده اند و اسامی آنها بدین قرار است:

۱- زید بن ارقم درگذشته (۶۸) الکاشف ۱ / ۳۳۶ شماره ۱۷۳۸

۲- عامر بن ربیعہ عنزی درگذشته (کمی قبل از عثمان) الکاشف ۲ / ۵۴ شماره ۲۵۴۹

۳- عبد الله بن عباس درگذشته (۶۸) الکاشف ۲ / ۱۰۰ شماره ۲۸۲۹

۴- عبدالله بن عمر بن خطاب درگذشته (۷۴) الکاشف ۲ / ۱۱۲ شماره ۲۹۰۱

۵- عویمر بن مالک معروف به ابوالدرداء درگذشته (۳۲) الکاشف ۲ / ۳۵۸ شماره ۴۳۸۸

۶- معاذ بن جبل درگذشته (۱۸) الکاشف ۳ / ۱۵۳ شماره ۵۵۱۱

۷- معاویه بن ابی سفیان درگذشته (۶۰) الکاشف ۳ / ۱۵۷ شماره ۵۶۱۷

واما راویان احادیث بخش ۲ (که مُصدّر به « من خرج » و « من فارق » و « من خلع » و امثال این کلمات است) عبارتند از نامبردگان فوق به اضافه:

۱ - ابوهیره دوسی درگذشته (۵۷ / ۵۹)

۲ - انس بن مالک درگذشته (۹۳) که بنوشته ذهبی در « الکاشف » - ۳ / ۳۸۵ تحت شماره ۴۳۳ بخش کنی و ۱ / ۱۴۰ بشماره ۴۸۳ - این دو نیز در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنها نقل حدیث شده است.

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر (عج)

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات و ویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر (علیه السلام) در منابع اهل تسنن

۱ - امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب

سنن ابی داود ۵۱/۴

۲ - ابوامامه باهلی ، سعد بن عجلان

البیان گنجی ص ۹۵

۳ - ابویوب أنصاری

معجم صغیر طبرانی ۱۳۷/۱

۴ - أبوسعید خدری

سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۰۷ حدیث شماره ۴۳۸۵

۵ - أبوسلمی راعی (چوپان شترهای) رسول خدا (ص)

مقتل الحسین خوارزمی ص ۹۵ و بنقل ینابیع المودة ۱۶۰/۳ ، فرائد السمطين ۳۱۹/۲ حدیث شماره ۵۷۱ وعموم کتب شامل احادیث مهدی

۶ — أبو الطفیل عامر بن واثله

مسند أحمد بن حنبل ۹۹/۱

۷ — أبو لیلی

مناقب خوارزمی ، فصل پنجم ص ۲۳-۲۴

۸ — أبو وائل

عقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص ۲۳ و ۳۸

۹ — أبوهریره

صحیح بخاری ۱۷۸/۲ و عموم کتب شامل احادیث مهدی

۱۰ — أنس بن مالک

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲

۱۱ — تمیم داری

عرائس ثعلبی ص ۱۸۶ و بنقل عقد الدرر ص ۲۱۹

۱۲ — ثوبان مولى (غلام آزاد شده) رسول الله (ص)

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲

۱۳ — جابر بن سمره

البرهان متقی هندی ، ذیل تنبیهاً ، تنبیه اوّل

۱۴ — جابر بن عبدالله أنصاری

مسند أحمد حنبل ۳۸۴/۳

۱۵ — جابر بن عبدالله صدفی

استیعاب قرطبی ۱۱۱/۲ چاپ ذیل إصابه ابن حجر و معجم کبیر طبرانی ۹۳۷/۲۲

۱۶ — امام حسن بن علی

ینابیع المودة قندوزی ص ۵۸۹

۱۷ — امام حسین بن علی

البرهان متقی هندی باب دوم حدیث ۱۷ و ۱۸

۱۸ — سلمان فارسی

مقتل الحسین خوارزمی ۱۴۶/۱

۱۹ — طلحة بن عبیدالله

البرهان متقی هندی و المهدی المنتظر ابن صدیق ص ۱۲

۲۰ — عباس بن عبدالمطلب

المهدی المنتظر ابن صدیق ص ۱۲

۲۱ — عبدالرحمن بن عوف

البيان گنجی شافعی ص ۹۶

۲۲ — عبدالله بن حرث (حارث) بن جزء زبیدی

سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲ و در چاپ دیگر ۲۷۰/۲

۲۳ — عبدالله بن عباس

فصول المهمه ابن صباغ مالکی ص ۲۷۸

۲۴ — عبدالله بن عمر بن خطاب

فصول المهمه ص ۲۷۷ و البرهان باب ۱ حدیث ۲ و باب ۶ حدیث ۶

۲۵ — عبدالله بن عمرو بن عاص

البيان گنجی ص ۹۲

۲۶ — عبدالله بن مسعود

فصول المهمة إبن صباغ ص ۲۷۹

۲۷ — عثمان بن أبي العاص

مسند أحمد حنبل ۴/۲۱۶—۲۱۷

۲۸ — عثمان بن عفان

المهدى المنتظر صديق مغربى ص ۱۲ ، و در مقاله فتوائى — اداره مجمع فقهى سعودى در مكّه — مندرج در آخر البيان گنجى ص ۷۷
چاپ بيروت

۲۹ — علقمة بن عبدالله

سنن إبن ماجه [بنقل المهدى فى السنة شيرازى ص ۴۲] و فصول المهمة إبن صباغ مالکى

۳۰ — على الهلالى

مجمع الزوائد هيشمى ۹/۱۶۵

۳۱ — عمار بن ياسر

البرهان باب اول حديث ۱۰ و باب ۴ فصل ۲ حديث شماره ۷ و ۲۴

۳۲ — عمر بن خطاب

البرهان باب اول حديث ۳۸

۳۳ — عمران بن حصين

مسند أحمد بن حنبل ۴/۴۳۷

۳۴ — عمرو بن عاص

البرهان باب چهارم فصل ۲ حديث ۲۳

۳۵ — عمرو بن مره جهنى

إبراز الوهم المكنون أبو الفيز غمارى و عرف الوردى ص ۱۳۹ و ۳۹۰ و المهدى المنتظر إبن صديق ادريسى ص ۱۳

۳۶ — عوف بن مالک

معجم کبیر طبرانی

۳۷ — قتادة بن نعمان

البرهان باب اول حدیث ۱۷ و باب ششم حدیث ۱۰ و ۱۱

۳۸ — قرّة بن ایاس المزنی

ینابیع المودة ص ۲۲۰

۳۹ — کعب الأخبار

عقد الدرر جمال الدین دمشقی ص ۱۸۰ و ۲۳۳—۲۳۴ بنقل از فتن نعیم بن حماد

۴۰ — کعب بن علقمه

البرهان باب هفتم حدیث ۸—۱۳—۲۱

۴۱ — معاذ بن جبل

إبراز الوهم المکنون أحمد بن محمد بن صدیق ص ۸

۴۲ — فاطمة الزهراء بنت رسول الله (ص)

فرائد السمطين حموينی

۴۳ — أم المؤمنين أم سلمه

سنن أبی داود ۱۵۱/۴

۴۴ — أم المؤمنين عائشه

کتاب الفتن نعیم بن حماد بنقل عقد الدرر ص ۱۶—۱۷ و البرهان باب دوم حدیث ۲۱

۴۵ — أم حبيبہ

البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۰

معترفین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر(علیه السلام)

۱۱ — أبو الحسن ، محمد بن حسین آبری سجستانی (درگذشته ۳۶۳ هـ)

از اعلام محدثین مورد قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل تسنن ، در کتاب « مناقب الشافعی » — ذیل نام محمد بن خالد جندی ، راوی حدیث جعلی « لا مهدی إلا عیسی بن مریم » — بشرح مندرج در مصادر ذیل ([۴]) اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی نموده است.

۲ — حافظ محمد یوسف گنجی شافعی (۶۵۸)

در « البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع) » آخر باب یازدهم.

۳ — شمس الدین محمد بن أحمد قرطبی (۶۷۱)

در « التذکرۃ فی أحوال الموتی و أمور الآخرة » ص. ۷۰۱

۴ — حافظ جمال الدین مزّی (۷۴۲)

در « تهذیب الکمال » ۱۴۶/۵ — ۱۴۹ شماره ۵۱۸۱.

۵ — ابن قیم جوزیه حنبلی (۷۵۱)

در « منار المنیف » ص. ۱۴۲.

۶ — ابن حجر عسقلانی (۸۵۲)

در « تهذیب التهذیب » ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد جندی و احتجاج بکلام ابری در رد جندی ، نیز — بنقل « إبراز الوهم المکنون » ص ۴۲۳ — در « فتح الباری (شرح صحیح مسلم) ».

۷ — شمس الدین سخاوی (۹۰۲)

در « فتح المغیث » بنقل از آبری [« نظم المتناثر » کتانی ص ۲۲۶ ؛ « إبراز الوهم المکنون » غماری ص ۴۳۶ و مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ص ۲۳۲] .

۸ — جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱)

در « مصباح الزجاجة » [بنقل بلیسی در « العطر الوردی فی شرح القطر الشهیدی » ص ۴۵] .

و در « فوائد المتکاثرة فی الأحادیث المتواترة » و مختصر آن « الازهار المتناثرة » [بنقل « إبراز الوهم المکنون » ص ۴۳۴ و مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۴۳۴/۲ ؛ و در « عرف الوردی » مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ج ۱ ذیل ص ۳۹۶] .

۹ — ابن حجر هیثمی (۹۷۴)

در « صواعق المحرقة » ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷

۱۰ — شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (۱۰۳۳)

در « فرائد الفكر فی الامام المهدی المنتظر » [بنقل « لوائح الأنوار البهية » سفارینی ج ۲ و مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲۳/۲ و « الإذاعة » محمد صدیق قنوجی ص ۱۴۷].

۱۱ — أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی (۱۰۹۲)

در « منهج المقاصد — شرح « مراصد المعتمد » شیخ محمد عربی فاسی — « بنقل از سخاوی { « المهدی المنتظر » عبّالله بن محمد صدیق حسنی ادیسی ص ۱۰ } .

۱۲ — محمد بن عبد الرسول بررنجی (۱۱۰۳)

در « الإشاعة لأشراط الساعة » ص ۸۷

۱۳ — محمد بن عبدالباقی زرقانی مالکی (۱۱۲۲)

در « شرح المواهب اللدنیة » [بنقل « إبراز الوهم المکنون » صدیق مغربی ص ۴۳۴ و مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ص ۲۳۰].

۱۴ — شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی (۱۱۸۲)

در شرح کتاب « الرسالة » عبدالله بن عبدالرحمن شیروانی [کتانی در « نظم المتناثر من الحديث المتواتر » ص ۲۲۶ و احتجاج به کلام جسوس؛ و « المهدی المنتظر » ابن صدیق غماری ص ۹].

۱۵ — أبوالعلاء ادیسی بن محمد ادیسی حسینی عراقی فاسی (۱۱۸۳)

در کتابی که در باره امام المهدی نوشته [بنقل « نظم المتناثر » ص ۲۲۶؛ و « المهدی المنتظر » ابن صدیق غماری ص ۸].

۱۶ — شیخ محمد بن أحمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸)

در « لوائح الأنوار البهية » مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲۰/۲.

۱۷ — شیخ محمد بن علی صبان (۱۲۰۶)

در « إسعاف الراغبین » ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲.

۱۸ — قاضی محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰)

در کتاب « التوضیح فی تواتر ما جاء فی مهدی المنتظر و الدجال و المسیح »

[کتانی در « نظم المتناهی » ص ۲۲۵-۲۲۸؛ محمد صدیق قنوجی بخاری در « الاذاعة لما كان و ما يكون بين یدی الساعة » ص ۱۶۰؛ شیخ محمد خضر حسین مصری در مقاله « نظرة فی أحادیث المهدی » چاپ دمشق و مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲/۲۱۲؛ أحمد أمين مصری در « المهدی و المهدویة » ص ۱۱۰ چاپ مصر؛ شیخ عبدالمحسن عباد حجازی در مقاله « عقيدة اهل السنة و الاثر » چاپ مدینه و مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲/۴۰۳؛ شیخ تویجری در « الاحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر » ص ۴۲ .

« تحفة الاحوذی » مبارکپوری ص ۴۸۴ باب « ما جاء فی المهدی » در شرح حدیث ۲۳۳۱.]

۱۹ — مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۲۹۱)

در « نور الأبصار » ص ۱۸۹.

۲۰ — سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴)

در « ینابیع المودة » باب ۸۵ ص ۵۶۳.

۲۱ — أحمد بن زینی دحلان مفتی شافعی (۱۳۰۴)

در « فتوحات الاسلامیه » ۲/۲۱۱ بنقل از « اشاعة » برزنجی.

۲۲ — سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷)

در « الاذاعة لما كان و ما يكون بين یدی الساعة » ص ۱۱۲.

۲۳ — محمد بلبیسی بن محمد بن أحمد حسینی شافعی مصری (۱۳۰۸)

در « عطر الوردی فی شرح القطر الشهیدی » ص ۴۴ بنقل از « شرح ورد السحر » شیخش أبو عبدالسلام شبراوی و ص ۴۵ بنقل از « مناقب الشافعی » أبو الحسن آبری در گذشته ۳۶۳ و از « مصباح الزجاجة » سیوطی.

۲۴ — أبو عبدالله محمد بن جعفر کتانی مالکی (۱۳۴۵)

در « نظم المتناثر من الحدیث المتواتر » ص ۲۲۵-۲۲۸ شماره ۲۸۹.

— توضیحاً اسامی هشت نفر از معترفین به تواتر احادیث ویژه مهدی منتظر را با مصدر نقل ذکر کرده بدین شرح:

سخاوی ، آبری ، عراقی ، شیخ جسوس ، زرقانی ، مؤلف « مغانی الوفاء بمعانی الاكتفاء » ، سفارینی ، شوکانی.

۲۵ — مبارکیوری (۱۳۵۳)

در « تحفة الاحوذی » ص ۴۸۴ باب « ما جاء فی المهدی » در راستای شرح حدیث ۲۲۳۱.

۲۶ — شیخ محمد خضر حسین مصری (۱۳۷۷)

در مقاله « نظرة فی أحادیث المهدی » چاپ ضمن « مجلة التمدن الاسلامی » دمشق ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م ص ۸۲۹ ، و بنقل از شوکانی بطوریکه تلقی به قبول نموده و عیناً مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲/۲۱۲ میباشد.

۲۷ — ابوالفیض ، سید احمد بن محمد بن صدیق غمارى حسینی ازهری شافعی مغربی (۱۳۸۰)

در « ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ، أو المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی » ص ۴۳۳—۴۳۶ و عیناً مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲/۲۲۷—۳۸۲.

۲۸ — شیخ ناصرالدین آلبنانی (معاصر)

در مقاله « حول المهدی » نشریه « مجلة التمدن الاسلامی » دمشق سال ۲۲ ذیقعه ۱۳۷۱ هـ ، ص ۶۴۲—۶۴۶ و عیناً مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲/۳۹۱.

۲۹ — شیخ صفاءالدین آل شیخ الحلقه عراقی

در « مجلة التربية الاسلامية » شماره ۷ ص ۳۰ سال ۱۴ [« المهدی المنتظر بین التصور و التصدیق » شیخ محمد حسن آل یس ص ۲۹؛ نیز « المهدی المنتظر » ص ۲۹.]

۳۰ — شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد

عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه ، در مقاله « عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر » نشریه « مجلة جامعة الاسلامیه » مدینه سال اول شماره ۳ ذیقعه ۱۳۸۸ بخش چهارم مقاله ص ۶۴۳ و عیناً مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ص ۴۰۲—۴۰۴.

و در دیگر مقاله مفصل بعنوان « الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی » در ردّ بر رساله « لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر » ابن محمود قاضی قطر ، نشریه فوق شماره ۱ سال ۱۲ ، ۱۴۰۰/۱۴ هـ و عیناً مندرج در « الامام المهدی عند أهل السنة » ۲/۴۴۲.

۳۱ — ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادیسی

در « المهدی المنتظر » چاپ عالم الکتب بیروت ص ۹۵.

۳۲ — شیخ حمود بن عبدالله تویجری (معاصر)

از استادان دانشگاه اسلامی مدینه ، در کتاب « الاحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر » در ردّ بر کتاب « لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر » قاضی قطر ص ۱۲۱.

۳۳ — شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (معاصر)

از رجال علمی دربار حکومت سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوی و دعوت و ارشاد ، در ذیل تأییدنامه مقاله « عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر » شیخ عبدالمحسن عباد سابق الذکر ، و نیز در کلام تقریضی او بر کتاب « الاحتجاج بالاثر . . . » تویجری مذکور ص ۳.

۳۴ — در پایان قابل توجه است که دکتر عبدالحلیم نجار ضمن مقدمه اش — بر کتاب « المهدیه فی الاسلام » سعد محمد حسن مصری ، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن تقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدی منتظر و انکار او خلاصه می شود — مؤکداً خاطر نشان میکند که بنظر علماء حدیث ، موضوع مهدی بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

[۱] — بحارالانوار ۷۶/۲۳ - ۹۵ چاپ دوم ، ودرج امین الضرب قدیم ۱۶/۷ - ۲۰

[۲] — توضیحابخشی از این کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم در سال ۱۴۰۳ بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی و وسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده ، ولی موقع تنظیم این رساله در دسترس نگارنده نبود تابدان مراجعه وبلاواسطه از آن نقل شود.

[۳] — به نقل سید بن طاووس در « طرائف » ص ۲۱۰ ضمن شماره ۳۰۵ ، و « ندیم الفرید » بعنوان « ندیم الأحباب و جلیس الأصحاب » نسخه خطی آن در کتابخانه مغیسا از بلاد ترکیه بشماره (۱۲۱۰) موجود است. (اعلام زرکلی ۲۱۲/۱)

[۴] — تذکرة قرطبی ص ۷۰۱.

— تهذیب الکمال حافظ مزی ۱۴۶/۲۵ ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی.

— منار المنیف ابن قیم جوزیه حنبلی ص ۱۴۲.

— تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد و احتجاج بکلام ابری در ردّ بر او.

— فتح المغیث سخاوی (بنقل نظم المتناثر کتانی ص ۱۴۴).

— مصباح الزجاجة سیوطی (بنقل عطرالوردی بلیسی ص ۴۵) و عرف الوردی ص ۱۶۵.

— صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۹ و در چاپ دیگر ص ۱۶۷.

— البرهان متقی هندی باب دوازدهم.

— فرائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی (بنقل لوائح الأنوار سفارینی ص ۲۳).

— الإشاعة برزنجی ص ۸۷.

— شرح المواهب اللدنیة زرقانی (بنقل المتناثر کتانی ص ۱۱۴).

— لوائح الأنوار البهیة سفارینی — مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنة ۲/۲۳ —

— اسعاف الراغبین صلی ص ۱۴۰.

— نور الأبصار شبلنجی ص ۱۷۱.

— نظم المتناثر کتانی ص ۲۲۸.

— عقيدة اهل السنة و الاثر عبدالمحسن عباد — مندرج در الإمام المهدی عند أهل السنة ۲/۴۰۲ —

— الإحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر تویجری ص ۲۸ و ۱۴۳ و ۳۰۱.

— المهدی المنتظر ابن صدیق غماری ص ۷.

معترفين به صحّت و قابل استناد بودن احاديث مهدی منتظر(عليه السلام)

و اما معترفين از طبقه حديث آوران و حديث شناسان اهل تسنن به صحت و قابل استناد بودن احاديث وارده پيرامون شئون مختلف مهدی منتظر، پس در حدود بيست و پنج نفرند که هر یک با تعبيرات گوناگون، نقلیات روايتی مورد بحث را صحيح و قابل قبول اعلام کرده اند و اسامی و آدرس کلامی آنها بدین قرار است:

۱ — حافظ ترمذی (متوفی ۲۹۷) در « سنن » خود — که یکی از صحاح سته حديث اهل تسنن می باشد — ج ۴ ص ۵۰۵ و ۵۰۶

۲ — حافظ ابوجعفر عقیلی (۳۲۲) در کتاب « الضعفا الكبير » ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج ۳ ص ۲۵۳، شماره ۱۲۵۷

۳ — ابومحمد حسن بن علی خلف بر بهاری شيخ حنبليان (۳۲۹) در کتاب « شرح السنة » بنقل شيخ حمود تویجری در « الإحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر » ص ۲۸

۴ — حاکم نیشابوری (۴۰۵) در « مستدرک » ج ۴ صفحات ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸

۵ — امام المحدثين بیهقی (۴۵۸) در « الاعتقاد و الهداية الى سبيل الرشاد ص ۱۲۷ و نیز بنقل ابن قیم در « منار المنيف » ص ۱۳۰ شماره ۲۲۵

۶ — حافظ بغوی (۵۱۰ یا ۵۱۶) در « مصابيح السنة » ص ۴۸۸ شماره ۴۱۹۹، ۴۹۲ و ۴۹۳

- ۷ — مورخ شهیر و محدث معروف ابن اثیر (۶۰۶) در کتاب «النهاية في غريب الحديث و الاثر» ج ۱ ص ۲۹۰ ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۲۸۶ و ج ۴ ص ۳۳ و ج ۵ ص ۲۵۴
- ۸ — ابن منظور افریقی (۷۱۱) در «لسان العرب» ص ۵۹ ذیل کلمه «هدی»
- ۹ — ابن تیمیه یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (۷۲۸) در «منهاج السنه» ج ۴ ص ۲۱۱
- ۱۰ — بزرگ حدیث شناس اهل تسنن، حافظ ذهبی، (۷۴۸) در «تلخیص المستدرک» ج ۴ ص ۵۵۳
- ۱۱ — ابن کثیرشامی (۷۷۴) در «النهاية في الفتنوالملاحم» ج ۱ ص ۵۵
- ۱۲ — فاضل تفتازانی (۷۹۳) در «شرح المقاصد ص ۳۱۲ در شرح عقاید نسفی ص ۱۶۹
- ۱۳ — نور الدین هیشمی (۸۰۷) در «مجمع الزوائد» ج ۷ ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷
- ۱۴ — شیخ محمد جزری دمشقی شافعی (۸۳۳) در «السمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب» ص ۱۶۳، ۱۶۸
- ۱۵ — الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری (۸۴۰) در «مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه» ج ۳ ص ۲۶۳ شماره ۱۴۴۲
- ۱۶ — علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵) در «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» که در رد سید محمد بن سید محمد خان جونپوری مدعی مهدویت، نوشته و از متن فتوای چهار نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هم (که بیانگر صحت احادیث مربوطه و وجوب ایمان بدانها بر هر مسلمانی است) استفاده نموده.
- مراجعه شود به کتاب فوق ص ۱۷۷ و ۱۷۸ — ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳
- ۱۷ — سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زبیدی (۱۲۰۵) در «تاج العروس» ج ۱۰ ص ۴۰۸، ۴۰۹، ذیل کلمه «هدی»
- ۱۸ — شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی مصری، (۱۳۰۸) در منظومه «قطر الشهدی فی اوصاف المهدی» که شرحش بنام «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» بطور مکرر بنظر رسد ص ۶۸
- ۱۹ — ابوالبرکات آلوسی حنفی (۱۳۱۷) در «غالية المواعظ» ص ۷۶ — ۷۷
- ۲۰ — ابوالطیب، محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹) در «عون المعبود شرح سنن ابی داود» ج ۱۱ ص ۳۶۱
- ۲۱ — شیخ منصور علی ناصف (بعد ۱۳۷۱) در «التاج الجامع للأصول» باب هفتم — ج ۵ ص ۳۴۱ آخر باب نهم ???
- ۲۲ — شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع، (۱۳۸۵) در «تحذیق النظر باخبار الامام المنتظر»
- ۲۳ — شیخ محمد قواد عبدالباقی (۱۳۸۸) در تعلیقه اش بر حدیث مندرج در سنن ابی داود، بنقل شیخ عبدالمحسن عباد در مقاله «عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر» مندرج در «الامام المهدی عند اهل السنة» ج ۲

۲۴ — ابوالاعلی مودودی ، معاصر ، در « البیانبات » ص ۱۱

۲۵ — نویسنده محقق سعید ایوب معاصر در « عقیده المسيح الدجال فی الادیان » ص ۳۶۱ چاپ سوم قم ، مطبعه مهر ۱۴۱۳

مهدی (علیه السلام) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) است.

از جمله پیشگوئیهای صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پیرامون امام مهدی منتظر در رابطه با مشخصات نسبی و ویژگیهای فامیلی آن حضرت ، موضوع بودن آن موعود جهانی است از فرزندان فاطمه ، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حدیثی و اعلام تاریخی اهل تسنن ، احادیث بیانگر این امر و فرازهای تاریخی مربوط بدان را نقل و ثبت کرده اند و محلی برای شک و شبهه در این باره باقی نگذاشته اند؛ و عباراتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در این باره ایراد فرموده ، بنقل ام سلمه بدین قرار است:

« المهدی حق و هو من ولد فاطمة »

« المهدی من ولد فاطمه »

« المهدی من عترتی من ولد فاطمة »

و به نقل حسین بن علی بن ابی طالب بدینگونه باشد که با روی سخن به فاطمه فرمود:

« المهدی من ولدک »

« أبشری یا فاطمة ، فانّ المهدی منک »

« أبشری یا فاطمة ، المهدی منک »

و به نقل ابویوب أنصاری چنین آمده:

« ... و منّا خیر الأوصیاء و هو یعلک ... و منّا المهدی و هو من ولدک »

« ... و منّا المهدی ... »

و همچنان که ملاحظه می شود این عبارات خلاصه می شود در اعلام بودن حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، و براین اساس فاطمی نبودن مدعیان مهدویت خود یکی از دلائل محکم ، و سرنخی است بر دروغگوئی آنان.

همچنانکه دیگر مشخصات مهدی راستین نیز دلیل و نشانه است بر دروغگوئی مهدیهای فاطمی و بی اساس بودن دعوای مهدویت آنها.

و اما ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه ، و مصادر نقل آن ، پس بدین شرح است:

- ۱ — إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: أحمد بن محمد بن صدیق مغربی؛ ص ۱۴۶ حدیث ۷۷.
- ۲ — الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدى الساعة: سيد محمد صدیق حسن قنوجی بخاری؛ ص ۱۱۶.
- ۳ — الأربعين حديثا فى المهدى: حافظ أبونعیم اصفهانی؛ مندرج در «العرف الوردی» سیوطی و «حديقة الشيعة» مقدّس أردبیلی و «كشف الغمة» اربلی و «بحار الأنوار» علامه مجلسی.
- ۴ — أرجح المطالب: شيخ عبيدالله حنفی؛ ص ۳۸۱ و ۳۸۴ و ۳۸۵ با اسناد مختلف.
- ۵ — أسعاف الراغبين: ابن صَبان مالکی؛ چاپ حاشیه «نور الأبصار» شبلنجی ، ص ۱۳۷.
- ۶ — الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسینی برزنجی؛ ص ۸۸.
- ۷ — أشعة اللمعات: شيخ عبدالحق دهلوی؛ ۳۳۷/۴.
- ۸ — انسان العیون (مشهور به سیره حلبی)؛ ۱۹۳/۱.
- ۹ — البرهان فى علامات مهدى آخر الزّمان: متقی هندی؛ باب ۲ حدیث ۲ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳.
- ۱۰ — البيان فى أخبار صاحب الزمان: گنجی شافعی؛ ص ۳۱۰ چ نجف.
- ۱۱ — التاج الجامع للأصول: شيخ منصور على ناصف؛ ج ۵ ص ۳۴۳ ، اوایل باب هفتم کتاب الفتن.
- ۱۲ — تاریخ الرقة: أبوعلی قشیری حرّانی؛ ص ۷۰ و ۷۱.
- ۱۳ — تاریخ الكبير: بخاری؛ ج ۲ بخش ۱ ص ۳۱۶.
- ۱۴ — تذكرة الحفاظ: شمس الدين ذهبی؛ ۴۶۳/۱.
- ۱۵ — تذكرة: قرطبی؛ ص ۶۱۶.
- ۱۶ — تعلیقه: شيخ طاهر نعسانی بر «تاريخ الرقة» قشیری؛ ص ۷۰.
- ۱۷ — تلخیص مستدرک حاکم: ذهبی؛ ۵۵۷/۴.
- ۱۸ — تمییز الطیب من الخبیث: ابن ربیع شیبانی؛ ص ۲۲۰.
- ۱۹ — تیسیر الوصول: ابن ربیع شیبانی؛ ۲۳۷/۲.

- ۲۰ — جالیة الكدر: عبدالهادی ایباری؛ ۲۰۸.
- ۲۱ — جامع صغیر: سیوطی شافعی؛ ۵۷۹/۲.
- ۲۲ — جمع الجوامع: سیوطی؛ ۱۰۴/۲.
- ۲۳ — جواهر العقدين: نورالدین سمهوری؛ بنقل «ینابیع المودة» قندوری، اول باب ۷۳.
- ۲۴ — در المنثور: سیوطی؛ ۵۸/۶؛ بنقل از أبوداود، ابن ماجه، طبرانی تا حاکم از امّ سلمه.
- ۲۵ — الدر المنظم: محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲) مندرج در باب ۶۸ «ینابیع المودة» ص ۴۹۲ چاپ نجف و ص ۴۳۲ چاپ استانبول
- ۲۶ — ذخائر العقبی: محب الطبری؛ ص ۴۴ و ۱۶۶؛ بنقل «أربعین حديثاً فی المهدی» أبوالعلاء همدانی.
- ۲۷ — راموز الأحادیث: أحمد ضیاءالدین حنفی نقشبندی؛ ص ۲۳۶.
- ۲۸ — سراج المنیر — فی شرح الجامع الصغیر سیوطی — احمد بن محمد عزیزی؛ ص ۴۰۹.
- ۲۹ — سنن: أبی داود سجستانی؛ ۱۵۱/۴.
- ۳۰ — سنن المصطفی: ابن ماجه قزوینی؛ ۵۱۹/۲.
- ۳۱ — شرح نهج البلاغة: ابن أبی الحدید؛ ۲۸۱/۱ چاپ ۲ جلدی مصر.
- ۳۲ — صحیح مسلم: به نقل کنز العمال ۲۶۴/۱۴
- ۳۳ — صواعق المحرقة: ابن حجر هیثمی؛ ص ۲۳۵.
- ۳۴ — العرائس الواضحة: عبدالهادی ایباری؛ ۲۰۸.
- ۳۵ — العرف الوردی فی اخبار المهدی: سیوطی؛ ضمن «الحاوی للفتاوی»؛ ۱۲۴/۲ و ۱۴۴ و ۱۳۷ و ۱۴۶ و ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۶۵ از أبونعیم و ابن عساکر و طبرانی، چاپ ۱۳۷۸ مصر.
- ۳۶ — عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص ۲۱ حدیث ۲۵-۲۱ بنقل از «سنن» ابن ماجه و «سنن» امام أبوعمر مقری و «صفة المهدی» حافظ أبونعیم و «الملاحم» ابن منادی.
- ۳۷ — الفتاوی الحدیثه: ابن حجر هیثمی مکی؛ ص ۲۹.
- ۳۸ — فتح الکبیر: یوسف نبهانی لبنانی؛ ص ۲۵۹.
- ۳۹ — الفتن و الملاحم: أبونعیم بن حماد؛ ج ۱ ص ۳۷۳ چاپ مکتبة التوحید قاهره

- ۴۰ — الفتوحات الکبیر: محی الدین ابن عربی چاپ بولاق
- ۴۱ — الفردوس: شیرویه بن شهردار دیلمی؛ شماره ۶۶۷۰ ج ۴ ص ۲۲۳.
- ۴۲ — فصول المهمة: ابن صباغ مالکی؛ ص ۲۷۶.
- ۴۳ — الفقه الأكبر: مولوی حسن الزمان؛ ۶۷/۲ و ۷۰/۲.
- ۴۴ — کنز العمال: متقی هندی؛ ۳۱۸/۶ و ۲۵۹/۷، چاپ حیدرآباد و ۱۰۵/۱۲ بنقل از سنن ابی داود و صحیح مسلم از ام سلمه و ۱۴ / ۲۶۴ به نقل از ابن عساکر از امام حسین بن علی، چاپ حلب
- ۴۵ — کنوز الحقایق: مناوی؛ ص ۳ و ۱۶۴ ط بولاق مصر.
- ۴۶ — لوائح الأنوار البهیة: محمد سفارینی حنبری؛ قبل از عنوان فوائد.
- ۴۷ — مجمع الزوائد: نورالدین هیشمی؛ ۱۶۶/۹، کتاب المناقب، باب فضل اهل البيت.
- ۴۸ — مستدرک: حاکم نیشابوری؛ ۵۵۷/۴.
- ۴۹ — مسند فاطمه: سیوطی؛ چاپ ۱۴۰۶ مطبعة عزیزیه حیدرآباد هند، بنقل از ابن عساکر.
- ۵۰ — مشارق الأنوار فی فوز اهل الاعتبار: حمراوی؛ ص ۱۵۲ بنقل از «صحیح» مسلم و «سنن» ابی داود و «سنن» نسائی و «مستدرک» حاکم و «سنن» ابن ماجه و «سنن» بیهقی و دیگران.
- ۵۱ — مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی؛ ۲۴/۳.
- ۵۲ — مصابیح السنة: بغوی؛ ۱۳۴/۳.
- ۵۳ — مطالب السؤل: محمد بن طلحه شافعی؛ ص ۸۹.
- ۵۴ — معجم الصغير: أبو القاسم طبرانی؛ ص ۵۲ حدیث ۹۴.
- ۵۵ — مفتاح النجاء: بدخشی؛ ص ۱۰۰، مخطوط.
- ۵۶ — مقاتل الطالبیین: أبو الفرج اصفهانی؛ ص ۱۴۳.
- ۵۷ — مقاصد الحسنة: شمس الدین سخاوی؛ ص ۴۳۵.
- ۵۸ — الملاحم: ابن منادی — أبو الحسین احمد بن جعفر —؛ ص ۴۱.
- ۵۹ — المنار المنیف: ابن قیم جوزیه ص ۱۴۶ شماره ۳۳۴

۶۰ — منتخب كنز العمال: چاپ حاشیه «مسند» أحمد حنبل، ۹۶/۵ و ۳۰/۶.

۶۱ — منهاج السنّة: ابن تیمیّه حرّانی؛ ۲۱۱/۲.

۶۲ — میزان الاعتدال: ذهبی؛ ۳۵۵/۱ و ۲۴۰/۲.

۶۳ — نهاية البداية و النهاية: ابن کثیر دمشقی؛ ۳۷۱ و ۴۰.

۶۴ — ینابیع المودة: سلیمان قندوزی؛ ۸۶/۳ چ بیروتو ص ۵۱۹ چ نجف

مهدی موعود منتظر حسینی و از فرزندان امام حسین بن علی (علیهما السلام) است نه حسنی و از فرزندان امام حسن بن علی (علیهما السلام)

از جمله پیشگوئیهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با مشخصات نسبی و ویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر (علیه السلام) موضوع حسینی بودن او ست که حضرتش با تعبیرات مختلف جدّ پدری آن امام بزرگوار را ابوعبدالله، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود.

البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموماً به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود.

ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی و کشف و برملاشدن دروغبافی ویی راهه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر، لازم دانستیم توجه خوانندگان را به این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد.

واینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج:

۱ — علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری (۲۷۶) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: «أنّه من ولد الحسین علیه السلام، همانا که مهدی از فرزندان حسین باشد . . . و ذکر حلیته فقال: رجل اجل الجبین . . .»

[شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۸۱ و ۱۳۰/۱۹ — حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (متوفای ۳۸۵) — به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده اواسط باب نود و چهار — در « الجرح و التعديل » ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری (که بیانگر بیمارشدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد) آورده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینک: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد، سپس دست بر شانه حسین — که حاضر در مجلس بود زد و فرمود: « من هذا مهدی الامة » از این (حسین) باشد مهدی (منتظر این) امت .

نیز قندوزی در ینابیع الموده واسط باب نود و چهار صفحه ۵۹۰ این فراز از حدیث را آورده است .

۳— حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰هـ) در کتاب « اربعون حدیثاً فی المهدی » به عنوان حدیث ششم با ذکر سند نقل از حذیفه رض نموده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با ایراد خطبه و خبر دادن از رخداد های جهان فرمود:

« لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد ، لطول الله عزوجل ذلک الیوم ، حتی یتبع رجالاً من ولدی اسمہ اسمی .

فقام سلمان رض فقال: یا رسول الله ، من ای ولدک هو؟

قال: من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام » ([۱])

توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم

۴— اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی (۵۸۶) در مقتل الحسین اوائل فصل هفتم ص ۱۴۶ .

۵— شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی — صاحب « اربعون حدیثاً فی المهدی » — (۵۶۹ هـ) بشرح مندرج در « فرائد السمطین » و به نقل « مناقب کاشی — مخطوط و موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم — .

۶— ابن ابی الحدید (۶۵۶) در شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۸۱ — ۲۸۲ وج ۱۹ ص ۱۳۰ با اشاره به نقل ابن قتیبه در « غریب الحدیث » از علی (علیه السلام) .

۷— محمد بن یوسف گنجی شافعی (مقتول سنه ۶۵۸) در « البیان فی اخبار صاحب الزمان » ص ۹۰ چاپ نجف باب نهم به نقل از « الجرح و التعدیل » دارقطنی ،

۸— یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی (۶۸۵) در « عقد الدرر فی اخبار المنتظر » چاپ ۱۳۹۹ مکتبه عالم الفکر مصر ، باب اول ص ۲۴ بنقل از « صفة المهدی » ابونعیم از حذیفه

آخر باب ۲ ص ۳۲ بنقل از مصدر فوق

باب ۴ فصل ۲ ص ۸۹ بنقل از جابر بن یزید ج عفی از ابوجعفر (امام باقر ع) و ص ۹۵ بنقل از امام امیرالمؤمنین علیه السلام ،

باب ششم تحت عنوان: فی تصریح النبی بان المهدی من ولد الحسین بنقل از دارقطنی صاحب « الجرح و التعدیل »

اواسط باب ۴ ص ۱۲۷ بنقل از فتن نعیم بن حماد از عبدالله بن عمرو

باب نهم فصل سوم ص ۲۲۳ از « صفة المهدی » حافظ ابونعیم و حافظ ابوعبدالله نعیم بن حمادو « معجم » حافظ ابوالقاسم طبرانی از عبدالله بن عمرو

- ۹— محب الدین طبری (۶۹۴) در « ذخائر العقبی » ص ۱۳۶—۱۳۷ ،
- ۱۰— شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبدالله جوینی خراسانی (۷۳۰) در « فرائد السمطین — فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم » ج ۲ ص ۳۲۵—۳۲۶ شماره ۵۷۵ با ذکر سند منتهی به حافظ ابوالعلا حسن عطار همدانی .
- ۱۱— حافظ شمی الدین ذهبی (۷۴۸) در میزان الاعتدال ج ۲ ص ۳۸۲ ذیل نام عباس بن بکار ضبی
- ۱۲— سیدعلی شهاب همدانی (۷۸۶) در « مودة القربی و اهل العباء » مندرج در « ینابیع الموده قندوزی ص ۳۰۸ چاپ نجف » موده دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون .
- ۱۳— محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا (۸۲۲) در « فصل الخطاب » مشروح حضرت مهدی رازفرزندان امام حسن عسکری دانسته واعلام نموده [ینابیع الموده باب ۶۵ ، ص ۴۶۴ چ نجف]
- ۱۴— ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در « لسان المیزان » ج ۳ ص ۳۰۰ طبق متن فرائدالسمطین .
- ۱۵— ابن صباغ مالکی (۸۵۵) در « فصول المهمه فی معرفة الائمة » ص ۲۷۷ بنقل از ابونعیم عین آنچه را که از حدیثه آورده .
- ۱۶— سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در « ینابیع الموده » اواخر باب ۵۴ ص ۱۹۷ چاپ نجف بنقل از مودة القربی همدانی .
- اولیل باب ۷۷ ص ۵۳۴ بنقل از علی (ع) از پیامبر (ص) و از سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: « . انت ابو حجاج تسعة تسعة قائمهم المهدي » بنقل از حموی و خوارزمی ، و بنقل از ابن عباس با تعبیر « و تسعة من ولد الحسين مطهرون » از حموی
- اواسط باب ۹۴ ص ۵۸۸ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حدیثه در پاسخ سؤال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش — که مهدی از اولاد او باشد —
- و ص ۵۸۹ بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است .
- و نیز ص ۵۸۹ با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: « مهدی از فرزندان من باشد ».
- و ص ۵۹۰ متن آنچه را از « الجرح و التعديل » دارقطنی آوردیم .
- نیز ص ۵۹۰ بنقل از مناقب خوارزمی ([۲]) از سلمان فارسی.
- روایتی را که سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را بر روی زانو نشانده و او را می بوسید و خبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد

۱۷- شیخ عبدالهادی ابیاری (۱۳۰۵) در «العرائس الواضحه» ص ۲۰۸

۱۸- سید مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۳۰۸) در «نورالابصار فی مناقب آل بیت النبى المختار» چاپ بولاق مصر.

معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) از نسل فاطمه زهرا (علیها السلام) و امام حسین بن علی (علیهما السلام) در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می نمائیم و آن اینکه:

اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند - مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم - یک مسأله اتفاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است.

چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنن منکر ، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه ، و در منابع عقیدتی ، حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده اند.

ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری ، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبتو . . . با شیعه هم عقیده اند.

با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر ، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید ، شارح نهج البلاغه ، شده ایم ، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف ، و آن را موکول به بعد نموده است ، ما در این مقدمه به اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه هم عقیده ، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم؛ و برای تفصیل بیشتر ، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب « الامام المهدی عند اهل السنة » [۳] و مقدمه آن ارجاع می دهیم.

۱- ابوبکر محمد بن هارون رویانی (در گذشته ۳۰۷) در « مسند » مخطوط موجود در کتابخانه ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت « مهدی » در جلد سوم « الامام المهدی عند اهل السنة » مندرج ، تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردد.

۲- ابن ابی ثلج ، ابوبکر ، محمد بن احمد بن بغدادی (۲۳۸ - ۳۲۲) از بزرگان محدثان و مؤلف « تاریخ الأئمة » که به عنوان « موالید الأئمة » به پیوست « الفصول العشرة فی الغیبة - شیخ مفید - » و « نوادر راوندی » به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به چاپ رسیده؛ و در این کتاب انتساب حضرت مهدی (ع) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است.

۳- ابوالعباس ، احمد بن ابراهیم بن علی کندی ، شاگرد ابن جریر طبری ، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی ، مقیم مکه ، و راوی کتاب « موالید الأئمة ».

۴- ابوعلی ، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی ، راوی کتاب « موالید الأئمة » ابن ابی ثلج به سال ۳۵۰ از کندی سابق الذکر.

- ۵ — ابومسعود ، احمد بن محمد بن عبدالعزيز بن شاذان بجلی ، نویسنده و قاری رساله « موالید الأئمة » بر ابومنصور شیرازی.
- ۶ — ابومنصور ، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذکور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است.
- ۷ — ابومحمد ، اسد بن احمد ثقفی که رساله « موالید الأئمة » را از ابومنصور گرفته است.
- ۸ — ابوماجد ، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است.
- ۹ — ابوعبدالله ، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است.
- ۱۰ — محب الدین ، ابوعبدالله ، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی (۶۴۳) که شاگرد ابن جوزی ، مدرس مدرسه « مستنصریه » بغداد ، و مؤلف « ذیل تاریخ بغداد - شامل ۴۰ جلد - » بوده و محتوای رساله « موالید الأئمة » را از مشایخ سه گانه پیشین (ابومحمد ثقفی ، ابوماجد ، ابوعبدالله فاخر قرشی) شنیده و ضبط نموده است.
- ۱۱ — نسب شناس مشهور ، ابونصر ، سهل بن عبدالله بخاری زیدی (بعد ۳۴۱) در « سر السلسلة العلویة » پیرامون نام امام حسن عسکری (ع) چاپ نجف.
- ۱۲ — مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی (۳۴۶) در « مروج الذهب » جلد ۸ ، چاپ لیدن به ضمیمه ترجمه فرانسوی ص ۴۰.
- ۱۳ — خوارزمی ، محمد بن احمد بن یوسف کاتب (۳۸۷) در « مفاتیح العلوم » ، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵ ، ص ۳۲ - ۳۳.
- ۱۴ — حافظ ابوالفتح ، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی (۳۸۸ - ۴۱۲) در « اربعین » خود شماره ۴ به نقل « کشف الاستار » محدث نوری ص ۲۹ چاپ اول.
- ۱۵ — جعفر بن محمد بن المعتز مستغفری سمرقندی (۴۳۲) در « دلائل النبوة و المعجزات » (بنا به نقل شیخانی در « الصراط السوی »).
- ۱۶ — ابوبکر ، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی (۴۵۸) در « شعب الایمان » چاپ دائرة المعارف هند.
- ۱۷ — مؤلف « مجمل التواریخ و القصص » فارسی ، (تألیف سال ۵۲۰) ، ص ۴۵۸ چاپ تهران.
- ۱۸ — احمد بن ابی الحسن نامقی جامی (۵۳۶) به نقل « ینایع المودة » ضمن احوال امیر مؤمنان ، باب ۸۷ ص ۵۶۶.
- ۱۹ — ابن خشاب ، ابومحمد ، عبدالله بن احمد بغدادی (۵۶۷) در « تاریخ موالید الائمة و . . . » [۴] به نقل « کشف الأستار » و « أعیان الشیعه ».

۲۰ — اخطب خوارزم ، موفق بن احمد حنفی (۴۸۴ - ۵۶۸) در « مقتل امام حسین » (که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند) ج ۱ ص ۹۴ ، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل « ینابیع المودة » ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنة ۱۳۰۱ و « کشف الاستار » علامه نوری.

۲۱ — یحیی بن سلامت خصکفی شافعی (۵۶۸) به نقل مؤلفان « تذکرة الخواص » ص ۳۶۰ چاپ نجف و « ینابیع المودة » باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه.

۲۲ — ابن ازرق ، عبدالله بن محمد بن فارقی (۵۹۰) در « تاریخ میا فارقین » به نقل « وفیات الاعیان » (ج ۳ ص ۳۱۶ ، شماره مسلسل ۵۳۴).

۲۳ — خلیفه عباسی ، الناصرلدين الله ، احمد بن مستضیء (۶۲۲) روی درب مُنْبَت کاری صفة سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده.

۲۴ — شهاب الدین ، یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی (۶۲۶) در « معجم البلدان » (ج ۳ ص ۱۷۳) پیرامون کلمه « سامراء ».

۲۵ — شیخ فرید الدین عطار ، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی (۶۲۷) در دیوانش به نام « مظهر الصفات » به نقل « ینابیع المودة » باب ۸۷.

۲۶ — ابن اثیر جزری ، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی (۵۵۵ - ۶۳۰) در « الکامل » ذیل سنه ۲۶۰.

۲۷ — شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی (۶۳۸) به نقل شعرانی — در « البواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵ — از باب ۳۶۶ « فتوحات مکیه » او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده.

نیز حمزاوی در « مشارق الانوار » و صبان در « اسعاف الراغبین » این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند.

۲۸ — شیخ سعد الدین ، محمد بن مؤید حموی ، معروف به سعد الدین حموی (۶۵۰) در رساله « مهدی منتظر » به نقل جامی در « مرآة الاسرار ».

۲۹ — شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی (۵۸۲ - ۶۵۲) در « مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول » باب ۱۲ و نیز در « الدر المنظم » که بخشی از آن در باب ۶۸ « ینابیع المودة » (ص ۴۹۳ - ۴۹۴) درج و به چاپ رسیده است ([۵]).

۳۰ — شمس الدین ، یوسف بن قزاوغلی ، سبط ابی الفرج بن جوزی (۶۵۴) در « تذکرة خواص الامة - فصل ویژه حضرت مهدی - » که در تهران و نجف به چاپ رسیده است.

۳۱ — حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در « کفاية الطالب » - پیرو نام امام عسکری (ع) - و در « البیان فی أخبار صاحب الزمان » - باب ۲۵ - که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده است.

۳۲- جلال الدین بلخی رومی (۶۷۲) در « مثنوی » ، ضمن قصیده « ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند ».

[« ینابیع الموده » ، باب ۸۷]

۳۳- صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه (۶۷۳) در قصیده « رائیه » خود به نقل « کشف الاستار » محدث نوری شماره مسلسل ۳۱.

۳۴- ابن خلکان (۶۸۱) در « وفيات الاعیان » ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ بولاق مصر ، و در چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴.

۳۵- عزیزالدین ، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی (۶۸۶) در رساله خود به نقل « ینابیع الموده » پایان باب ۸۷.

و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف « عقاید النسفیة » و در گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان « کشف الاستار » و « منتخب الاثر » با یکدیگر اشتباه نموده اند ، و مؤلف « دانشمندان عامه و مهدی موعود » تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است.

۳۶- حکیم ادیب ، عامر بن بصری نزیل سواين روم (۶۹۶) در « تائیه » خود که - به نقل « معجم المؤلفین » ۵۴/۵ - بنام « ذات الانوار » با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده ، و علامه نوری در صفحه ۵۵ « کشف الاستار » این بخش از اشعار او را ذکر نموده است.

۳۷- مورخ نامی ، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (۷۳۰) در « تاریخ گزیده فارسی » ص ۲۰۶-۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران.

۳۸- شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموی شافعی (۶۴۴-۷۳۲) در « فرائد السمطين » ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بیروت.

۳۹- مورخ شهیر ، ابوالفداء ، عمادالدین اسماعیل بن علی ، حاکم حماة از بلاد سوریه (۷۳۲) در « المختصر فی اخبار البشر » ذیل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵.

۴۰- کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی (۷۳۰ یا ۷۳۵) در « تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان » به نقل سعید نفیسی در « سر چشمه تصوف در ایران » ص ۲۱۶.

۴۱- عارف شهیر علاءالدوله سمنانی ، احمد بن محمد شافعی (۶۵۹-۷۳۶) به نقل خواجه پارسا در « فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب » که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است.

۴۲- مورخ شهیر ، شمس الدین محمد ذهبی (۶۷۳-۷۴۸) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده ، در تاریخ « دول الاسلام » ج ۱ ص ۱۵۸ ذیل سنه ۲۶۰؛ نیز در « العبر فی خبر من غیر » ج ۲ ص ۲۰ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.

۴۳- ابنوردی ، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (۶۹۱-۷۴۹) در « تنمة المختصر » معروف به تاریخ ابنوردی ، چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذیل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی (ع).

- ۴۴ — شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی انصاری (۶۹۳ - ۷۴۷ یا ۷۴۸ یا ۷۵۰) در « معراج الوصول الى معرفة فضيلة آل الرسول » که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است.
- ۴۵ — صلاح الدین صفدی خلیل بن ایبک (۷۶۴) مؤلف « الوافی بالوفیات » و « شرح لامیه العجم » و « شرح الدائرة » به نقل « ینابیع المودة » باب ۸۶.
- ۴۶ — حافظ محدث ، عبدالله بن محمد مطبری مدنی شافعی نقشبندی (۷۶۵) در « الرياض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهرة » به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ، ص ۹۳ و ۲۱۵ - ۲۱۶ چاپ قدیم.
- ۴۷ — مورخ شهیر ، عبدالله بن علی یافعی یمینی شافعی (۷۰۰-۷۶۸) در « مرآة الجنان » ج ۲ ص ۱۷۲ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.
- ۴۸ — سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند (۷۱۴ - ۷۸۶) در « مودة القرى » و « اهل العباء » که نسخه عکسی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است ، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ « ینابیع المودة » ص ۲۸۸ - ۳۱۷ چاپ نجف مندرج است.
- ۴۹ — ابولید ، محب الدین ، محمد بن شحنه حلبی حنفی (۷۴۹ - ۸۱۵) در « روضة المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر » - که مختصر « تاریخ ابوالفداء » است و در حاشیه « مروج الذهب » به سال ۱۳۰۳ در مصر به چاپ رسیده است - ج ۱ ص ۲۹۴.
- ۵۰ — عارف شهیر و مورخ نامی ، محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی (۸۲۲) در « فصل الخطاب » که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپی آن نزد اینجانب موجود می باشد؛ و گویا در هند به چاپ رسیده است؛ و بخش ویژه ائمه اثناعشر آن مندرج در باب ۶۵ « ینابیع المودة » می باشد.
- ۵۱ — مورخ شهیر ، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی (۷۷۷ - ۸۴۵) در « مجمل فصیحی » چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱ ، ج ۱ ص ۲۳۱ ، ضمن رویدادهای ۲۵۵.
- ۵۲ — شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی ، معروف به ملک العلماء زاولی دولت آبادی (۸۴۹) در « هداية السعداء فی مناقب السادات » به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ص ۷۳ و « البرهان » علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق.
- ۵۳ — خواجه افضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی اصفهانی (۸۵۰) در « تنقیح الادلة و العلل » ترجمه « مللو نحل » شهرستانی ، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷.
- ۵۴ — ابن صباغ ، نورالدین ، علی بن محمد مالکی (۷۳۴-۸۵۵) در « الفصول المهمة فی معرفة الائمة » ضمن فصل ویژه حضرت مهدی(ع) ، ص ۲۷۴ چاپ غری.
- ۵۵ — شیخ عبدالرحمن بسطامی (۸۵۸) در « درة المعارف » به نقل « ینابیع المودة » باب ۸۴.

- ۵۶ — ابوالمعالی ، سراج الدین ، محمد بن عبدالله حسینی رفاعی مخزومی بغدادی (۷۹۳ - ۸۸۵) در « صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الاخيار » ص ۱۴۳ ، چاپ ۱۳۰۶ مصر.
- ۵۷ — نورالدین ، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر (۸۹۸) صاحب « شرح کافیه » در « شواهد النبوة » که در لکهنو و بمبئی در ۴۴ صفحه بچاپ رسیده است و فتوکپی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است.
- ۵۸ — محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی (۹۰۱) به نقل قندوزی در « بنایع المودة » باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف.
- ۵۹ — مورخ نامی ، میرخواند ، محمد بن خاوند شاه (۹۰۳) در « روضة الصفا » ج ۳ ص ۵۹ - ۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی (ع) ، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد.
- ۶۰ — قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی (درگشته بعد ۹۰۹) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده ، در قصیده خود که شامل سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم از بخش سوم « ابطال الباطل » آنرا ذکر نموده ، و نگارنده عین آن را در مقدمه « الامام المهدی عند اهل السنة » بخش مخطوطات آورده است.
- ۶۱ — ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی (۹۱۰) در « روضة الشهداء » فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره.
- ۶۲ — قاضی حسین بن معین الدین میبیدی یزدی حکیم (۹۱۱) - از شاگردان ملا جلال الدین دوانی - در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی (ع) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران.
- ۶۳ — فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸) در « نور الهدایة فی اثبات الولاية » که بار اول ضمیمه « خصایص » ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری ، و بعداً به سال ۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است.
- ۶۴ — ابوالحسن ، علی بن محمد شاذلی (۸۵۷-۹۳۹) بنا به نقل شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » باب ۵۶.
- ۶۵ — مورخ نامی ، خواند میر (۹۴۲) ، سبط میرخواند مؤلف « روضة الصفا » در تاریخ « حبيب السیر » ج ۲ ص ۱۰۰ - ۱۱۳.
- ۶۶ — شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳) در « الأئمة إثني عشر » ص ۱۱۷ چاپ دارالصادر بیروت.
- ۶۷ — شیخ حسن عراقی (بعد ۹۵۸) مدفون بالای کوم الریش در مصر ، به نقل شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۰ و در « لواقح الانوار » چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹ ، ملاقات و اجتماع او را با حضرت مهدی (ع) ذکر نموده است.
- ۶۸ — شیخ علی خواص ، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب شعرانی (بعد ۹۵۸) به نقل شاگردش « لواقح الانوار » ج ۲ ص ۱۵۰ و « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵.
- ۶۹ — تقی الدین ابن ابی منصور (تاریخ فوت او بدست نیامد) شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » آغاز باب ۶۵ از کتاب « عقیده » او نقل کرده است.

۷۰ — مورخ شهیر ، قاضی حسین بن محمد دیار بکری (۹۶۶) در « تاریخ الخمیس » ج ۲ ص ۳۴۳ پیرامون حوادث ۲۶۰ و رویدادهای -ایام معتمد عباسی.

۷۱ — عارف شهیر ، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی (۸۹۸ - ۹۷۳) در « البواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵.

۷۲ — شهاب الدین ، شیخ الاسلام ، احمد بن حجر هیثمی شافعی (۹۰۹ - ۹۷۴) در « صواعق المحرقة » ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳ هجری مصر ،

۷۳ — سید جمال الدین ، عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله شیرازی نیشابوری (۱۰۰۰) در « روضة الاحباب » فارسی ، چاپ ۱۲۹۷ لکهنو و ۱۳۱۰ هند ، در فصل ویژه حضرت مهدی (ع).

۷۴ — محدث شهیر ، ملاعلی بن سلطان هروی قاری (۱۰۱۴) در « المرقاة فی شرح المشکاة » که بخش ویژه حضرت مهدی (ع) از آن در جلد دوم « الامام المهدی عند اهل السنة » به چاپ رسیده است.

۷۵ — مورخ شهیر و فاضل ، ابی العباس ، احمد بن یوسف بن احمد دمشقی قرمانی (۹۳۹ - ۱۰۱۹) در تاریخ « اخبار الدول و آثار الاول » ص ۱۱۷ ، ضمن باب ویژه خلفاء و ائمه.

۷۶ — امام ربانی ، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی (۹۷۱ - ۱۰۳۱) ، که از بزرگان صوفیه هند بوده ، و از وی به مجدد هزاره دوم تعبیر کرده اند ، در « مکتوبات » ج ۳ مکتوب آخر.

۷۷ — عارف شهیر ، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی (بعد ۱۰۴۵) در « مرآة الاسرار » ، فارسی ، شامل شرح حال مشایخ صوفیه (که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است ، و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد) و شاه ولی الله دهلوی نیز در کتاب « الانتباه فی سلاسل اولیاء الله و اساتید و ارثی رسول الله » از آن نقل کرده است.

۷۸ — عارف شهیر ، بدیع الزمان قطب مدار ، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب « مرآة الاسرار » را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود ، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود؛ و به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷ ، عبدالرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است.

۷۹ — ابوالمجد ، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی (۹۵۹ - ۱۰۵۲) در رساله ویژه مناقب ائمه و احوال آنها به نقل « کشف الاستار » تحت شماره ۱۲.

۸۰ — مورخ شهیر ، عبدالحی بن احمد ، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی (۱۰۳۲ - ۱۰۸۹) در « شذرات الذهب » ضمن حوادث ۲۶۰ هجری ، ص ۱۴۲ ، چاپ ۱۳۵۰.

۸۱ — شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری (بعد ۱۰۹۴) در « الصراط السوی فی مناقب آل النبی (ص) » .

- ۸۲ — عبدالملک بن حسین بن عبدالملک بن عصامی مکی (۱۰۴۹ - ۱۱۱۱) در کتاب « سمط النجوم العوالی » ج ۴ ص ۱۳۷ - پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری (ع) - و ص ۱۳۸.
- ۸۳ — میرزا محمد خان بن رستم بدخشی (۱۱۲۲) در « مفتاح النجا فی مناقب آل العبا » ص ۱۸۱ ، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق ۹۵/۱۳]
- ۸۴ — سید عباس بن علی مکی (بعد ۱۱۴۸) در « نزهة الجلیس » ج ۲ ص ۱۲۸ ، چاپ قاهره.
- ۸۵ — شیخ عبدالله بن محمد شبراوی شافعی مصری (۱۱۷۲) ، شیخ جامع ازهر ، در « الاتحاف بحب الاشراف » ص ۶۸ - ۶۹ ، چاپ قاهره.
- ۸۶ — احمد بن علی بن عمر ، شهاب الدین ، ابوالنجاح منینی حنفی دمشقی (۱۰۸۹ - ۱۱۷۳) در کتاب « فتح المنان » در شرح منظومه « الفوز و الامان » شیخ بهائی ، ص ۳ ، چاپ قاهره؛
- متن این کتاب در « الامام المهدی عند اهل السنة » عیناً به چاپ رسیده است.
- ۸۷ — شاه ولی الله ، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی (۱۱۱۰ - ۱۱۷۶) در « المسلسلات » معروف به « الفضل المبین » قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده ، و با سبکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است.
- نیز (به نقل « کشف الاستار » شماره ۲۶) در « الانتباه فی سلاسل اولیاء الله » در این زمینه شرح مفصّلی از جامی آورده است.
- ۸۸ — شیخ سراج الدین ، عثمان دده عثمانی (۱۲۰۰) در « تاریخ الاسلام و الرجال » ص ۳۷۰ ، نسخه مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی. [ملحقات احقاق الحق ۹۲/۱۳]
- ۸۹ — شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی (۱۲۰۶) در « اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیت الطاهرین » [۶] ذکر نموده است.
- ۹۰ — مولوی علی اکبر بن اسدالله مودودی (۱۲۱۰) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در « مکاشفات » - که حواشی بر « نفحات الانس » جامی است - (ج ۷ ، ص ۳۲۷) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود.
- ۹۱ — مولوی محمد مبین هندی لکهنوی (۱۲۲۰) در « وسیلة النجاة » چاپ گلشن فیض ، ص ۳۱۶.
- ۹۲ — شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹) ، مؤلف « تحفة اثناعشریة » بنا به نقل « استقصاء الافهام » ص ۱۱۹ در « النزهة » روایت ابن عقلمه ، مربوط به ملاقات بلاذری را از « فضل المبین » پدر خود نقل کرده ، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی (ع) می باشد.

- ۹۳ — خالد بن احمد بن حسین ، ابوالهواء ، ضیاءالدین نقشبندی شهرزوری (۱۱۹۰ - ۱۲۴۲) از بزرگان صوفیه ، در « دیوان فارسی » خود به نقل « مجمع الفصحاء » رضا قلی هدایت ، ج ۲ ، ص ۱۱ ، چاپ ۱۳۲۹.
- ۹۴ — رشیدالدین دهلوی هندی (۱۲۴۳) در « ایضاح لطافة المقال » بنقل « الامام الثانی عشر » علامه عبقانی ، ص ۴۷ ، چاپ نجف.
- ۹۵ — نسب شناس شهیر ، ابوالفوز ، محمد امین سوییذی بغدادی (۱۲۴۶) در « سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب » ص ۸۷ در خط عسکری ذکر نموده است.
- ۹۶ — قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری حنفی (۱۱۸۸ - ۱۲۵۰) ، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد ، در « البراهین الساباطیه فیما یستقیم به دعائم الملة المحمدية » چاپ عراق ، به نقل « کشف الاستار ».
- ۹۷ — شیخ عبدالکریم یمانی (قبل ۱۲۹۱) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت مهدی(ع) سروده و در « ینابیع المودة » عیناً آنها را آورده است.
- ۹۸ — محدث عالیقدر ، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان (۱۲۲۰ - ۱۲۹۴) در « ینابیع المودة » آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹ ، که بارها در ترکیه ، هند ، عراق ، ایران ، و در هفتمین طو به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسیده است.
- ۹۹ — شیخ حسن عدوی حمزای شافعی مصری (۱۳۰۳) در « مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار » ص ۱۵۳ ، چاپ مصر.
- ۱۰۰ — عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الابیاری (۱۳۰۵) در « جالیة الکدر » - شرح منظومه سبزواری - ص ۲۰۷ چاپ مصر.
- ۱۰۱ — مؤلف « تشیید المبانی » (۱۳۰۶) به نقل علامه محقق میرحامد حسین نیشابوری هندی در « استقصاء الافهام » ص ۱۰۳ ، چاپ لکهنو.
- ۱۰۲ — سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری (۱۲۵۲ - بعد ۱۳۰۸) در فصل ویژه حضرت مهدی(ع) در « نور الابصار » ص ۱۵۰ ، چاپ ۱۳۲۲ مصر.
- ۱۰۳ — عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حصرمی (۱۳۲۰) ، مفتی حصرم یمن ، در « بغیة المسترشدين » ص ۲۹۶ ، چاپ مصر ، به نقل از جلال الدین سیوطی.
- ۱۰۴ — محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب « جوهرة الکلام » مطبوع ، ص ۱۵۷ ، در فصلی که تحت عنوان « المجلیس الثلاثون فی فضائل محمد المهدی رضی الله عنه » ویژه حضرت مهدی(ع) گشوده ، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است.
- ۱۰۵ — عماد الدین حنفی ، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در « کشف الأستار » ص ۶۰ ، اعتراف به ولادت حضرت مهدی(ع) نموده ، ولی علامه نوری از نصّ کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است.

۱۰۶ — فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری (۱۳۵۰) در « محاکمه در تاریخ آل محمد » ص [] که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه ، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ رسیده ، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است.

۱۰۷ — شیخ عبیدالله امرتسری حنفی ، معاصر ، در کتاب « ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب » ع [] که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ رسیده است ، ص ۳۷۷.

۱۰۸ — سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی ، معاصر ، در کتاب خود « سیرة الامام العاشر علی الهادی » ع [] ص ۱۳۱.

۱۰۹ — محمد شفیق غربال (۱۳۱۱ - ۱۳۸۱) ، مورخ شهیر و عضو مجمع لغوی در قاهره ، در « دائرة المعارف » که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته ، و به سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده ، زیرعنوان « الأئمة الإثني عشرية » نوشته است که حضرت مهدی (ع) در سنه ۸۷۳ میلادی (که همزمان با ۲۶۰ هجری ، آغاز غیبت صغری می باشد) غایب گردیده.

۱۱۰ — خیرالدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۶) در « الأعلام » ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم ، ضمن فصلی که به نام « محمد بن الحسن العسکری » باز نموده ، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است.

۱۱۱ — یونس احمد سامرائی در کتاب « سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری » که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده ، در ص ۴۶ پیرامون واژه « عسکری » می گوید:

« گروهی از شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند ، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری ، و او مهدی منتظر است. »

و در پاورقی همین صفحه تصریح به قبّه و سرداب غیبت نموده و می گوید:

« همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده. »

آنگاه می نویسد:

« این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند. »

بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی (ع) نوشته اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است.

۱۱۲ — مستشار عبدالحلیم جندی مصری ، معاصر ، در کتاب « الامام جعفر الصادق » ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شئون اسلامی مصر ، ۱۳۹۷.

آری، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی (ع) تصریح کرده اند؛ و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی (ع) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد؛ و کسانی که قائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند.

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد و بیست نفر از علمای سنی به فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن

همچنانکه در بحث و بررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی منتظر خاطرنشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه (اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی (خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت) فراز «واسم ابیه اسم ابی» به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمود: «المهدی اسمہ اسمہ» اضافه شد و تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید، تا مهدی موعود «محمد بن عبدالله» تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام باپیامبر است و پدرش همانم با پدر پیامبر، جا اندازی و قابل قبول گردد و مهدویت «محمد بن الحسن العسکری» از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود.

این موضوع در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید، تا هم اکنون بین بعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که می گویند: «مهدی، محمد بن عبدالله است»!

اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هریک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه ۲۵۵ هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شک و تردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) (امام یازدهم شیعه) معرفی و اعلام کرده اند.

و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه «دفاع عن الکافی» تألیف آقای سید ثامر هاشم حبیب عمیدی، معرفی شده اند که مجموعاً ۱۲۶ نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن، و ساختگی بودن فراز «واسم ابیه اسم ابی» بر جای نمانده که متأسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و قلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودن مهدی منتظر، یک سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری، مشت خیانت خود را باز کند و آبروی خود را به باد دهد.

آری دکتر عبدالله غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان «پروتوکلات آیات قم» — ص ۱۱ چاپ ۱۴۱۱ هجری، ۱۹۹۱ م، — وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری درگذشت و فرزندی بر جای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!

[۱] — توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده، ولی سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی و تنظیم و به «العرف الوردی فی اخبار المهدی» نامگذاری و به ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه «الحاوی للفتاوی» را ارائه داده که بسال ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م در مصر چاپ و منتشر گردیده، و از علمای شیعه اربلی در «کشف الغمه»، بحرانی در «غایة المرام» و علامه مجلسی دوم در «بحارالانوار» (ج ۱ ص ۷۸ — ۸۵) و عاملی در «اعیان الشیعة» (جزء ۴ بخش ۳) و بلاغی در «حجت بالغه» و مؤلفین «نامه دانشوران» در ج ۲ این کتاب آن را درج نموده اند.

[۲] — این روایت را در مناقب نیافتم ولی در مقتل ج ۱ ص ۱۴۶ ذکر شده.

[۳] — این کتاب تألیف این ضعیف ، شامل ۵۶ متن حدیثی ، تاریخی ، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی (عج) ، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

[۴] — جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به « الذریعه » ۲۳/۲۳ ، و « معجم المؤلفین » ۲۰/۶.

[۵] — نسخه مخطوط « الدر المنظم » در کتابخانه حسین باشا در آستانه ترکیه بشماره ۳۴۶ موجود است. [الغدير ۴۱۴/۵]

[۶] — این کتاب کراراً در حاشیه « نورالابصار » شبلینجی ، ویکبارهم در حاشیه « مشارق الانوار » حمزوی در مصر به چاپ رسیده است.